

بسم الله الرحمن الرحيم

عنوان تحقیق:

روابط بین والدین و فرزندان و تأثیر آن در تربیت

نام استاد:

گردآورندگان:

## فهرست مطالب

۸-۲۳

بخش اول: تربیت

۱. تربیت و قلمرو آن
۲. پایه‌های اساسی تربیت
۳. اشاراتی کوتاه به مراحل تربیت
۴. اهداف تربیتی
۵. عوامل تربیت
۶. سخن، ابزار تربیت
۷. اسلام و تربیت‌پذیری انسان
۸. نکات عقلی و اسلامی در تربیت‌پذیری انسان
۹. ارزش و اهمیت تربیت
۱۰. توضیحاتی دیگر در باب هدف تربیت و تعلیم
۱۱. تربیت و وظائف آن
۱۲. ویژگیهای تربیت دختران

۱۳. عالیترین انتساب

۱۴. بهترین میراث

۱۵. بروز نتایج تربیت

۲۴-۳۰

بخش دوم: شخصیت

۱. شخصیت چیست؟

۲. صفات پایدار

۳. منشا شخصیت

۴. اثبات شخصیت

۵. جوان و محیط اجتماعی

۶. اسلام و صفات شخصیت

۷. شخصیت فرزندان

۸. بشر و خواهش عزت نفس

۹. عزت نفس و آزادگی

۱۰. مراعات شرف کودک در خانواده

۱۱. آئین اسلام و عزت نفس

۳۱-۳۹

بخش سوم: خانواده و مسائل نوجوانان و جوانان

بخش اول: تربیت و مسائل عاطفی

الف: خانواده و تربیت

۱. وظایف والدین

۲. سخنی دیگر درباره نخستین مربی کودک

۳. معلم اول کودک

۴. پی‌ریزی قواعد زندگی

۵. خانواده و تربیت

۶. شریفترین خدمت

۷. مراقبت‌ها در هفت سال سوم

۸. تمایلات نوجوان و جوان

۹. توجه به نیاز آنان

۱۰. مهرطلبی آنان

۱۱. هدایت نوجوان و جوان

۴۰-۴۳

ب: نیاز به محبت

۱. جلوه‌های مهرطلبی
۲. جدائی‌های طولانی
۳. مهرورزی به هنگام بازگشت
۴. چهره متبسم
۵. چند نکته مهم

۴۴-۵۰

بخش چهارم: نقش پدر

الف: اخلاق پدر

۱. همدمی با فرزندان
۲. در برابر حرف حق
۳. اما سخنی هم با شما

ب: بیگانگی با فرزندان

۱. جوش کار و تلاش
۲. سر در لاک خود

ج: نزاع در خانه

۱. خانه جهنمی

۲. سعادت‌مندی کانون

۳. گریز از خانه

۴. آثار بد خشونت‌ها

۵۴-۵۱

بخش پنجم: نقش مادر

الف: اخلاق مادر

۱. مادر و اخلاق اسلامی

۲. حوصلهٔ مادر

ب: مادر و رازهای فرزندان

۱. مادر بهترین رازدار

۲. چند نکته مهم

ج: جنبه‌های مذهبی مادر

۱. مادر و مذهب

۲. نیاز به ایمان

۳. کنترل روابط

۴. در برابر عبادت فرزندان

۵۴-۶۲

بخش ششم: احساس نابسامانی در خانواده

الف: تبعیض در خانه

۱. ارجحیت پسر بر دختر

۲. در آموزش علم

۳. مساله کار در خانه

۴. مراقبتهای در ابراز عواطف

ب: تحقیر در خانه

۱. جوان و مساله تحقیر

۲. انتقادپذیری از فرزندان

۳. چند نکته مهم

ج: آزادی فرزندان در خانه

۱. جوان و آزادی

۲. نوع آزادی

۳. نکته‌ها در کنترل

د: احترام والدین

۱. سئوالی در ذهن جوان

۲. نیکی به پدر و مادر

۳. رعایت حرمت فرزندان

بخش هفتم: نکته‌های مهم در روابط والدین و فرزندان ۶۳-۶۵

۱. جبران خطای تربیتی

۲. وظیفه والدین

۳. توقف رشد عقلی

۴. آسیبهای روحی

۵. زیاده‌روی در محبت

۶. بدترین پدران

بخش هشتم: دومین کلاس تربیت (مدرسه)

۶۶-۷۶

۱. مدرسه و تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان

۲. همگامی خانه و مدرسه



۳. نقش مدرسه در انتقال ارزشها

۴. رفتارهای مذهبی چگونه تبلور می یابد؟

۵. هشیاریهای فرهنگی در پاسداری از سلامت و رشد مطلوب

۶. مهاجمان فرهنگی کیستند؟

۷. هدف مهاجمان فرهنگی چیست؟

۸. رسالت اولیاء و مربیان و پیشگیری از آسیبهای اجتماعی

## بسمه تعالی

### تحقیقات کاربرد مواد آموزشی:

#### مقدمه:

تقدیم این تحقیقات به آن معلمان و مربیان و اساتیدی که شغل مقدس تدریس را با همه مشکلات و زحماتش و با توجه به تأثیر والای این وظیفه بزرگ اجتماعی، و با رضایت تمام پذیرفته‌اند و میدانند که اگر امروز قدر کار بزرگ آنها کوچک شمرده شود فردا در برابر رسول و اهل بیت پاکش یعنی مربیان و معلمان والامقام بشری سرافراز و آبرومند خواهند بود.

و در ادامه تقدیم می‌دارم به آن جوانان و نوجوانان برومندی که زحمات معلمان آگاه و دلسوز خود را پاس می‌دارند و وجود آنها را در راه سعادت خود عزیز می‌شمارند و محبت آنها را همیشه در دل پاکشان زنده می‌دارند تا فردا در برابر رسول خدا و اولیای گرامی او عزیز و موجب روشنی چشم استادان خویش باشند.

چنانکه در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم تا آیات ما را برای شما تلاوت کند و دلها و نفسهای شما را از جهالتها و زشتیها و آلودگیها پاک نموده به اخلاق و فضایل انسانی رشد و کمال بخشد و همچنین شما را تعلیم کتاب و حکمت دهد و آنچه را که

جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

در قدرت و امکان شما نبوده تا بفهمید به شما بیاموزد. بنابراین مرا که خالق و منعم

شما هستم همیشه بیاد داشته باشید تا من هم به لطف بیشتر و عنایتهای آینده شما را

یاد کنم<sup>۱</sup>.

## بخش اول: تربیت

### تربیت و قلمرو آن

تربیت بطور خلاصه عبارت است از پرورش و رشد دادن استعدادهایی که آفریدگار جهان در وجود انسان جهت سعادت و کمال او بودیعت گذاشته است.

با این تعریف اجمالی موضوعات زیر در امر تربیت مورد دقت و توجه قرار می‌گیرد:

۱- تربیت‌کننده با داشتن هدف معین و علاقمندی کافی و آگاهی کامل به اهمیت و

ارزش تربیت این مسئولیت مقدس را می‌پذیرد.

۲- او از تجربه‌ها و اطلاعات لازم بهره‌مند می‌باشد و از اصول و مبانی تربیت عالم و

آگاه و خودش نیز از فضایل اخلاقی و مزایای تربیتی برخوردار است.

۳- تربیت‌کننده نسبت به موقعیت فرد یا افراد مورد تربیت و استعدادهای جسمی و

روحی آنها آشنایی کامل دارد و می‌داند که چگونه انسانهایی را برای چه جامعه‌ای

باید بسازد.

۴- مربی به وضع و شرایط محیطی که در آن زندگی می‌کند و نیازهای اساسی آینده

جامعه خود کاملاً آگاه است و فعالیت خود را متناسب با آن نیازها بکار می‌اندازد.

۵- کار و فعالیت مربی مبتنی بر طرح و برنامه حساب شده و متوجه به هدفهای

صحیح و مطلوب جامعه و متکی بر روش متناسب با این هدفها انجام می گیرد.

۶- مسئول تربیت برای پیشبرد اهداف مقدس خویش ناگزیر است وسایل کار برای

خود و افراد مورد تربیت متناسب با شرایط و امکانات زمان داشته باشد زیرا می داند

که هیچ کاری بدون وسیله متناسب به انجام نمی رسد.

۷- در جامعه ای که اکثریت قریب به اتفاق آن مسلمانند مربی آگاه می کوشد تا برای

پایداری و استواری یک جامعه مترقی و مستقل اسلامی افرادی مؤمن و صاحب

رشد و متخلق به اخلاق اسلامی و خدمتگزار به جامعه خود تربیت کند.

### پایه های اساسی تربیت

تمایلات انسانی و غرائز طبیعی بمنزله پایه های اساسی است که تربیت بر روی آنها بنا

می شود. یا بعبارت دیگر، تربیت عبارت از تعدیل خواهشهای طبیعی و تنظیم کیفیت

بهره برداری از نیروهای غریزی است.

«خوی و منش عبارت است از غرائزی که شغل و تجربه آن را بگونه ای مختلف رنگ

کرده و مانند کاشی کار ماهری پهلوی هم چیده است.»<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup> . لذات فلسفه ص ۲۱۱

موقعیکه آداب و رسوم تربیت بر اثر تکرار و ممارست، رنگ عادت بخود می‌گیرد و بصورت خلق و خوی ثابت در می‌آید، آدمی بر طبق آن از سرمایه‌های طبیعی خود استفاده می‌کند و به آسانی، غرائز در مجاری عادات بجریان می‌افتند.<sup>۱</sup>

«عادات به محض آنکه تشکیل یافتند با بهره‌برداری از ذخیرهٔ فعالیت‌های ذاتی آدمی، به وجود خود ادامه می‌دهند و لاینقطع این فعالیتها را به میل خودشان تحریک می‌کنند، تقویت می‌نمایند، تفکیک می‌سازند، متمرکز می‌کنند و از غرائز خام و نامنظم، دنیائی مطابق میل خود بوجود می‌آورند به طوری که می‌توان گفت آن موجود نه مخلوق عقل است و نه زائیده غریزه، بلکه مصنوع عادات می‌باشد.»<sup>۲</sup>

### اشاراتی کوتاه و مختصر به مراحل تربیت

پیامبر اسلام (ص) سنین میان تولد تا ۲۱ سالگی را که با اهمیت‌ترین مرحله تربیتی است به سه مرحله تقسیم نموده است، و در قالب یک حدیث می‌فرمایند: «فرزند، در هفت سال اول سید و آقا است، و در هفت سال دوم بنده، مطیع و فرمانبردار است، و در هفت سال سوم وزیر، طرف شور و مسئول است.»<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> . جوان از نظر عقل و احساسات هیئت نشر معارف اسلامی صفحه ۱۴۵

<sup>۲</sup> . اخلاق و شخصیت ص ۱۲۳

<sup>۳</sup> . مکارم الاخلاق جلد یک ص ۱۱۵

مراحل تربیت را از نظر اسلام می‌توان در دو مرحله پیش از تولد و بعد از تولد بررسی نمود، مرحله پیش از تولد شامل پیش‌بینی‌های لازم در انتخاب همسر جهت انتقال صفات و ویژگیهای مطلوب به کودک، تدابیر لازم به هنگام انعقاد نطفه و دوران جنینی و زایمان، مرحله بعد از تولد را می‌توان به پنج مرحله عمده تقسیم نمود:

کودکی، نوجوانی، جوانی، بزرگسالی، پیری که ما از ذکر توضیحات این مراحل فوق خودداری می‌کنیم.<sup>۱</sup>

### اهداف تربیتی

#### ۱- هدفداری جهان عموماً و انسان خصوصاً به عنوان یک هدف تربیتی است

تعلیم و تربیت اسلامی نخست این واقعیت تحول‌آفرین را به انسان متذکر می‌شود که دستگاه خلقت عبث و بیهوده برای بازی نیست و قرآن می‌فرماید: «آسمان و زمین را با هر چه میانشان هست بیهوده نیافریدیم این گمان کسانی است که کافرند وای از جهنم برای آن کسانی که کافرند.»<sup>۲</sup>

و همچنین در مورد هدفدار بودن خلقت انسان با صراحت و قاطعیت تمام می‌فرمایند:

<sup>۱</sup> . مبانی تربیت و اخلاق اسلامی - علی فایضی - محسن آشتیانی - ص ۱۶۷

<sup>۲</sup> . سوره آل عمران آیه ۱۹۱

«گمان می‌کنید شما را بیهوده آفریدیم و بسوی ما بازگشت نخواهید کرد.»<sup>۱</sup>

## ۲- اطمینان و قرب الهی به عنوان یک هدف تربیتی است

انسان با طی منازل و قطع مراحل در مقام والای اطمینان و قرب به حق قرار می‌گیرد، در قرآن آیاتی در مورد اطمینان قلب وارد شده است از جمله در سوره فجر می‌فرماید:

ای نفسی که (در پرتو ایمان) به اطمینان رسیده‌ای همانا بسوی پروردگارت بازگرد با خشنودی متقابل تو از او و او از تو خشنود، پس داخل در مسلک بندگانم و داخل شو در بهشتم.

## ۳- صبر بعنوان یک هدف تربیتی است

اگر تصور کار، سیمای کارگران را تداعی می‌کند که بار تولید را به دوش می‌کشد تصور صبر این سؤال را بوجود می‌آورد که «صبر برای چه کسی مطرح می‌شود؟» و چه شرایطی است که انسان را به صبر نیازمند می‌کند؟ از این رهگذر است که می‌بینیم صبر، آنجا طرح می‌شود که پای «عمل» در میان است همچنانکه احتیاج به «سپر» را کسی احساس می‌کند که مرد اسلحه و شمشیر است در متن آیات مربوط به صبر، به وضوح خواهیم دید صبر نه تنها یک مفهوم ذهنی نیست بلکه دقیقاً به جای عمل بکار

<sup>۱</sup>. سوره مومنون آیه ۱۱۵



رفته است و درست بر عکس کسانی که صبر را اعلام سکون و حتی عقب‌نشینی  
پنداشته‌اند در طی آیات فراوانی، مفهوم کامل حرکت و پیشروی دارد، به این ترتیب  
صبر در تعلیم و تربیت اسلامی تعریف ویژه خود را دارد و هرگز نباید آن را با ملاکهای  
عمومی سنجید.

«برای آنها که اهل ایمان و عمل صالح هستند پاداش الهی از هر چیزی بهتر است، البته  
این پاداش را کسی جز صابران در نمی‌یابند.»<sup>۱</sup>

«ای اهل ایمان در پیشرفت کار خود صبر و مقاومت پیشه کنید و به ذکر خدا و نماز  
متوسل شوید خدا یاور صابران است.»<sup>۲</sup>

در اصول کافی باب صبر از قول معصوم آمده است: صبر سه گونه است: صبر بر مصیبت  
و صبر در برابر معصیتها و گناهان و صبر بر رنج ناشی از اطاعت خداوند و راه او

ایمان بر چهار پایه استوار است: بر صبر و یقین و عدل و جهاد، و صبر نیز خود بر چهار  
شاخه: اشتیاق، خوف، زهد، انتظار پس هر کس که مشتاق بهشت بود از بند شهوتها و  
لذتها رها می‌شود، و کسی که از عذاب خدا هراسید از گناهان و محرّمات کنار می‌کشد،  
و کسی که به دنیا بی‌رغبت شد مصیبتها و سختیها را سبک می‌شمارد و آن که به

۱. سوره قصص آیه ۸۰

۲. سوره بقره آیه ۱۵۴

انتظار مرگ بود، در انجام هرچه زودتر و هرچه بیشتر نیکوئیاها و آرمانهای خیر سرعت  
می‌گیرد.<sup>۱</sup>

«هرکس از مؤمنین به بلایی گرفتار شود و صبر کند برایش اجر هزار شهید باشد.»  
در خاتمه یادآور می‌شویم که صبر بر دو رویه استوار است: صبر از آنچه دوست داری و  
صبر بر آنچه کراهت داری و شهوتها، اطاعتها

#### ۴- تکامل انسان به عنوان یک هدف تربیتی است

حرکت تدریجی یک شی از نقص به نقطه مطلوب رشد را تکامل می‌گویند. که به معنی  
به کمال رسیدن، به تدریج کامل شدن، رو به کمال رفتن آمده است. تکامل را به انواع  
مختلف تقسیم می‌کنند.

#### الف) تکامل فردی

تکامل فردی خود به چندین قسم تقسیم می‌شود.

#### ۱- تکامل مادی و فیزیولوژیکی

<sup>۱</sup>. بهار، ج ۶۸، ص ۳۴۸

هر انسانی از نظر بدنی و جسمانی در یک حد از رشد متوقف می‌شود، مثلاً در قد و پا و دست و پا و یا سایر جوارح او از نظر رشد مادی محدودیت دارد یعنی قد انسان دست انسان و یا سایر جوارحش از یک میزان خاصی بلندتر نمی‌شوند این نوع تکامل بین انسان و گیاه و حیوان مشترک است و همانطور که انسان قدش از یک میزان خاصی بلندتر نمی‌شود، یک درخت بلوط یا بادام از یک حدی بلندتر نمی‌شود و این رشد تقریباً در سایر جوارح هماهنگ است به عبارتی بین دست و پا و سایر جوارح حیوان یا انسان از نظر رشد هماهنگی وجود دارد. این نوع تکامل را تکامل مادی یا فیزیولوژیکی می‌نامند.

## ۲- تکامل علمی

تکامل دیگری که مخصوص نوع انسان تکامل علمی است، به این معنی که بشر هرچه بیشتر در آثار طبیعت مطالعه می‌کند رازهای شگفت‌انگیزتری را از طبیعت درک می‌کند و انرژیهای نوینی را به استخدام می‌کشد و زیستی بهتر برای خویش فراهم می‌آورد.

## ۳- تکامل فکری

تکامل دیگری که باز اختصاص به انسان دارد تکامل فکری است به این معنی که دماغ بشر در اثر تفکر در حقوق کائنات بر فراز ابزارهای علمی و تکنیک‌های فرهنگی اوج می‌گیرد و مسائلی را که حتی علم به حل آن دست پیدا نمی‌کند را می‌گشاید.

#### ۴- تکامل روحی و معنوی

تکامل دیگری که ارزنده‌ترین تکامل انسان است تکامل روحی و معنوی است بدین معنی که بشر در اثر صفای باطنی و گرایش به مبدأ و عشق به ملکوت، یک روحیه نیرومند و ارزنده‌ای پیدا می‌کند و با پای برهنه و سر برهنه‌اش از قوی‌ترین متفکرین عالم بهتر به حقایق هستی دست می‌یابد، حافظ می‌گوید.

«راز جهان که پیر مغان با کسی نگفت در حیرتم که باده‌فروش از کجا

شنید»

تا بخواهند افرادی مثل کانت، و دکارت، فارابی، دلائلی برای جهان پیدا کنند، یک روستائی بی‌سواد با یک نگاه کردن به جهان و با یک معنویت پاک، خدا را در آینه ضمیر می‌بیند.

متذکر می شود که موارد چهارگانه بالا فقط جنبه فردی دارد.

### ب) تکامل اجتماعی

همینطور که یک فرد ترقی می کند یک اجتماع نیز ترقی می کند یک ملت یا یک امت

نیز ترقی می کند، همینطور که یک فرد سقوط می کند، یک ملت سقوط می کند، یک

امت نیز سقوط می کند، یک اجتماع نیز سقوط می کند.

مطالعه در تاریخ گویای این مطلب است که ملت‌هایی بودند ناگهان اوج گرفتند، پیش

رفتند، ناگهان سقوط کردند.

برای علت سقوط یک ملت باید عوامل شکست را مطالعه و بررسی کرد، همینطور که

یک انسان در اثر یک سری از عوامل تقویت می شود مثلاً تغذیه خوب، تنفس خوب،

هوای آزاد و صاف، نداشتن اندوه یک بشر قوی به وجود می آورد همینطور یک سری از

عوامل مثل شهوترانی زیاد، روی آوردن به مواد مخدر، بشر قوی را ساقط می کند

سپس می میراند.

فروکش کردن یک تمدن و یک ملت به این معنی است که شما یک ساختمان گلی و

پوسیده را در نظر آورید، روی این ساختمان پوسیده گچ بمالید، و بعد روی گچ

عکس‌های مورد علاقه خود را بکشید، این ساختمان به ظاهر زیباست ولی به مجرد

اینکه سیلی آمد شکاف بر می‌دارد، فروکش می‌کند و خراب می‌شود، وحی الهی  
اضمحلال تکامل فردی و اجتماعی را از آثار گناه می‌داند یعنی همانطور که سیل برای  
یک ساختمان گلی علت فروکش کردن است، گناه نیز فرد و جامعه را ویران می‌کند.<sup>۱</sup>  
قرآن می‌فرماید: «آیا ندیدید پیش از ایشان چه بسیار گروهی را هلاک نمودیم و حال  
آنکه در زمین به آنها قدرت و تمکینی داده بودیم که شما را نداده‌ایم و از آسمان بر آنها  
باران رحمت پیوسته فرستادیم و نهرها در زمین بر آنان جاری ساختیم پس با آن که به  
انواع نعمتها بهره‌مند شدند چون گناه و نافرمانی کردند آنها را هلاک نمودیم و گروهی  
دیگر را بعد از آنها برانگیختیم.»<sup>۲</sup>

امام صادق (ع) می‌فرماید:

هیچ رگی نزنند و پائی به سنگ نخورد و دردسر و مرضی پیش نیاید مگر به جهت  
گناهی (که انسان مرتکب شده است) و همین است که خدای عزوجل در کتابش  
می‌فرماید: «هر مصیبتی به شما رسد برای کاری است که به دست خود کرده‌اید و خدا  
از بسیاری هم گذشت می‌کند.»

### عوامل تربیت

<sup>۱</sup> . جزوه تعلیم و تربیت اسلامی - دانشکده الهیات - علی فایضی سال ۱۳۶۹

<sup>۲</sup> . سوره انعام آیه ۶

به طور کلی، تربیت پایه و اساس رفتار انسان است، و این در صورتی است که تربیت به عوامل موثر در ساختمان وجود آدمی مستند گردد، محال است که تربیت ثمری داشته باشد و یا نتیجه‌ای به بار آورد، بدون آنکه عوامل ایجادکننده این ثمرات موردنظر و توجه قرار گیرند، عوامل مهمی را که غالباً علمای تعلیم و تربیت به عنوان عوامل موثر در تربیت انسان مطرح می‌کنند دو عامل «وراثت» و «محیط» است گرچه اعتقاد به تاثیرات کمی و کیفی این دو عامل مورد اتفاق اینگونه دانشمندان نیست اما در عین حال، تاثیر این عوامل در تربیت انسان امری است که غالباً به آن معتقدند، در تعلیم و تربیت اسلامی گرچه به دو عامل فوق اهمیت داده می‌شود ولی عوامل تربیت را تنها محدود به دو عامل وراثت و محیط نمی‌داند بلکه عواملی چون «اراده» و «عوامل ماوراء طبیعت» را در تکوین شخصیت آدمی موثر می‌داند.<sup>۱</sup>

### سخن، ابزار تربیت

شاید بتوان مسأله تربیت را از جمله مسائلی شمرد که عوامل تاثیرگذار آن، بر حسب گوناگونی ابعاد وجودی انسان، در موقعیتهای مختلف، تأثیری یکسان نمی‌گذارد و پیامدهای گوناگونی به همراه دارد، زیرا اندیشه‌ها، عاطفه‌ها، احساسها و همچنین

<sup>۱</sup> . مبانی تربیت و اخلاق اسلامی ص ۱۳۵

فضاهای پیرامونی که فرد تربیت‌پذیر را دربر می‌گیرند، در نوع اثرگذاری عوامل تربیتی مؤثرند. به این خاطر، طبیعی است که سخن به عنوان ابزار انتقال اندیشه‌ها، از مهمترین و کارآمدترین ابزارهای تربیتی به شمار رود. از آن جهت که بار معنایی، فکری و عملی ویژه‌ای را با خود حمل می‌کند و احياناً افاده‌کننده نکات و مفاهیمی است که در طول تاریخ مخاطب انسان، در پیرامون آن شکل گرفته و [ظاهراً] در معنای واژگانی آن وجود ندارد. چون واژه‌ها [اغلب در طول زمان] مفاهیمی می‌یابند که با آنها بر وسعت معنای آنها افزوده می‌شود و یا از آن کاسته می‌گردد.

از این رو، سخن، در واقع ابزاری الهی برای تربیت است که در کتابهای آسمانی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است.

همچنین باید افزود: روند تربیت، همواره با خط سیر طولانی «سخن» و «کلمه» در تاریخ انسان همگام و همراه بوده است و تأثیرات منفی و مثبت متقابلی داشته‌اند.<sup>۱</sup>

### اسلام و تربیت‌پذیری انسان

روایات اسلامی، کودک را، بالفطره شایسته و مستعد تربیت می‌داند. اسلام معتقد است با تحت مراقبت قرار دادن قوای کودک، می‌توان او را ساخت و تا حدود زیادی می‌توان

<sup>۱</sup> . دریچه‌ای به دنیای جوانان، آیت ... سید محمد حسین فضل ا... ص ۲۷



او را جهت داد و او تغییرپذیری را در تمام مدت حیات خویش حفظ می‌کند و این وضع در سطحی با این وسعت، خاص انسان است.

حضرت علی (ع) راجع به نقش‌پذیری نونهالان می‌فرمایند:

«صفحة دل نوجوان همچون زمین مستعدی است که هیچ گیاهی در آن نروئیده و آماده هر نوع بذرافشانی است.»

دل نوجوان آماده هر نوع بذرافشانی است، نشان‌دهنده تربیت‌پذیری انسان است که اگر بذر خار در آن پاشیده شود در آن خار می‌روید، به عبارت دیگر کودک انسانی شرور خواهد شد و اگر بذر گل و میوه در آن پاشیده شود، گل و میوه به بار خواهد آورد و به عبارتی دیگر انسانی خوب خواهد شد. اما نکته دیگری که تذکر آن حائز اهمیت است این است که دل نوجوان نسبت به پرورش خیر و شر در خود استعداد و قابلیت خاصی دارد که با افراد دیگر متفاوت است. بنابراین هرچه بطور کلی انسان تربیت‌پذیر است اما این طور نیست که همه انسانها دارای استعدادها و قابلیت‌های یکنواختی باشند و ما بتوانیم به سادگی همه آنها را بطور یکسان در جهت مطلوب تربیت کنیم.

غیر از قابلیت‌ها و استعدادهای گوناگون افراد، امر دیگری که «تربیت‌پذیری انسان» را محدود می‌کند، مسأله «اراده» است.

از نظر اسلام چون هر انسانی دارای اراده است لذا می تواند در برابر تربیت و مربی خود بی تفاوت نبوده و حتی در صورت لزوم مخالفت نماید. با توجه به مطالبی که گذشت نتیجه می گیریم که انسان، شایسته و مستعد تربیت است و پیامبران الهی نیز با این حقیقت برای هدایت انسانها مبعوث شده اند، اما در عین حال «تربیت پذیری انسان» گاهی محدود و مشروط می گردد.<sup>۱</sup>

### نکات عقلی و اسلامی در تربیت پذیری انسان

- ۱- اگر تربیت پذیری نباشد وجود اصل تکلیف در اسلام خطاست و معنی ندارد.
- ۲- اگر انسان تربیت پذیر نبود پیامبران الهی بیهوده بود و معنی نداشت.
- ۳- اندرزها و تبشیرها بیانگر این است که انسان تربیت پذیر است.
- ۴- توجه به مراتب و مراحل امر به معروف و نهی از منکر بیانگر این است که انسان تربیت پذیر است.
- ۵- دعوت به توحید و تحریض به علم و دانش و ... بیانگر این است که انسان تربیت پذیر است.

<sup>۱</sup> . تعلیم و تربیت اسلامی - تربیت معلم - کد ۱۰۰۰ - ص ۵۳

۶- انسان در بدو تولد هیچ دانش و اطلاعاتی از این جهان نداشت. بعدها در اثر ابزار

شناخت توانست دانشی بیاموزد و اطلاعاتی را جمع‌آوری کند.

۷- راه فساد و اصلاح را اگر به افراد بیاموزیم عده‌ای هستند که آزادانه و بر اساس

خواست خود آن را می‌پذیرند و عده‌ای هم آگاهانه آن را طرد می‌کنند و مسأله عقل

و خرد آدمی مؤید خوبی در این راه است.

۸- تجارب عملی اولیاء و مربیان نشان می‌دهد که بسیاری از افراد را توانسته‌اند به راه

اصلاح آورند و گروهی را هم فاسد سازند.

۹- آنچنان که هم بعضی از مربیان مدعی هستند دستشان در تربیت باز نیست و

علاقه‌مند هستند که فرزندشان درجات عالی علمی را طی نماید. ولی او مرتباً درجا

می‌زند و ذهن او کشش لازم برای پیشروی ندارد و یا در برابر خواسته مربیان

مقاومت می‌کند و راه خود را ادامه می‌دهد نه خواست مربی را.

۱۰- انسان می‌تواند با شرایط خاص آب و هوایی، جمعیتی، مذهبی خود را تطبیق

دهد و برای ادامه حیات انس و الفت لازم را بدست آورد.<sup>۱</sup>

### ارزش و اهمیت تربیت

<sup>۱</sup>. تعلیم و تربیت اسلامی - علی فایضی - دانشکده الهیات - تهران - سال ۱۳۶۹ ص ۶۴

در اهمیت و ارزش تربیت همین بس که قرآن کریم محور دعوت پیامبران را عموماً و پیامبر عظیم الشان اسلام را خصوصاً تربیت و تکمیل فضایل اخلاقی قرار داده است. و این از موضوعات است که جامعه بشری از همان روزگار نخستین حیات به آن نیاز داشته و روز به روز با توسعه زندگی اجتماعی و علمی و سیاسی این نیاز بیشتر شده است.<sup>۱</sup>

«به حقیقت ما فرزندان آدم را عزت و کرامت عطا کردیم و در خشکی و دریا آنها را نیرومند ساختیم و از نعمتهای پاکیزه بهره‌مندشان نمودیم و بر بسیاری از آنانکه آفریدیم برتریشان دادیم برتری و فضیلتی عالی و شایسته.»<sup>۲</sup>

### توضیحاتی دیگر در باب هدف تربیت و تعلیم

هدف تربیت و تعلیم پرورش و رشد دادن نیروها و استعدادهایی است که آفریدگار جهان در وجود انسان برای سعادت و کمال او به ودیعه نهاده است. به عبارت دیگر تربیت ایجاد تحول و تغییری است در انسان بطوری که فرد بتواند بوسیله آن نیروها و استعدادهای ارزنده خویش را در راه کمال و سعادت حقیقی خود و جامعه به کار اندازد

<sup>۱</sup> . راه و روش تربیت - حسین ادیب - ص ۱۱

<sup>۲</sup> . سوره اسری آیه ۷۰

و اهداف اصیل زندگی و راه نیل به این اهداف را تشخیص داده برای تحقق بخشیدن به این آرمانها توانایی پیدا کند.

مسلم است که این وظیفه مهم و مقدس از جانب مربی و معلمی صورت پذیرد که خود از نتایج و مزایای تربیتی و از کمالات مطلوب برخوردار است و هدفهای حقیقی زندگی و طریق وصول به این هدفها را یافته و به این اهداف معتقد و مومن است.

و بعد از همه این خصوصیات با تصمیم و علاقه خاص و با هدف مشخص و توانایی لازم دست در کار این وظیفه بزرگ می‌شود. بهمین دلیل است که مقام معلم و مربی بس والا و ارزش کار و کوشش او بس بزرگ می‌باشد.

الف) معلم باید بکوشد در مرحله اول خود را به سرمایه‌های علمی و اخلاقی مجهز ساخته تا بتواند فرد مورد تربیت را از فضیلتها و از دانشها و بینشهای لازم بهره‌مند نماید.

ب) مربی و معلم آگاه متوجه است که موضوع کارش یک عنصر شیمیایی و یا یک گیاه و یا یک حیوان نیست بلکه فرد انسانی است که ویژگیهایش با همه موجودات دیگر جهان فرق اساسی دارد. انسانی است که با استعدادهای گرانبها و نیروهای بزرگ استعدادهایی که اگر بطور صحیح باز و شکفته شود همه خود فرد در راه کمال مطلوب

پیش می‌رود و برای یک زندگی نوین آماده می‌شود و هم اجتماع از او بهره فراوان می‌برد.

ج) مربی و معلم باید بداند که جامعه پیوسته رو به کمال می‌رود و اوضاع و شرایط هر نسلی از نسل قبل پیچیده‌تر می‌شود و با این تربیت وظیفه معلم حساستر می‌گردد. بنابراین معلم نباید انتظار داشته باشد که محصلش مطالب را مانند ضبط صوت گرفته و تحویل دهد. بلکه همت او باید بر این باشد که دانش‌آموز هرچه بیشتر قدرت تفکر و تشخیص و دریافت پیدا کند. طوری که با این نیروها حداقل مقداری از مسائل و مشکلات آینده را خود بتواند حل کند.

متأسفانه در بعضی از معلمان و دبیران هنوز این رسم کهنه و غلط دیده می‌شود که اصرار دارند محصل مطالب درسی را با فشار به قوه حافظه عین جملات کتاب یا جزوه معلم حفظ نموده بازگو نماید.

د) مربی نباید تصورش از محصل اینگونه باشد که او را بالقوه انسان فرض کند و بالفعل حیوان و خیال کند که زندگی امروز محصل بمنزله فرع و مقدمه زندگی آینده است. به عبارت دیگر نباید زندگی امروز او را فدای فردا کند و او را از مقتضیات سنی خودش محروم نموده به کارهایی مجبور سازد که از حوصله و از نیاز او بیرون است بلکه معلم

باید بکوشد که کودک یا نوجوان در ضمن اعمال مربوط به سن خویش راه و رسم صحیح بزرگتران و روش زندگی فردا را هم یاد بگیرد و استعدادهای درونی خویش را کمال دهد.

ه) مربی باید بیش از هر چیز مسئولیت مهم خویش را احساس کند و موقعیت خود و نیز تأثیر این موقعیت را در روح دانش‌آموز ادراک و باور نماید. باید متوجه باشد که جامعه او فرزندان عزیز یعنی عالیترین و ارزشمندترین ثمره وجودی خود را به امانت به او سپرده‌اند و مردم جامعه به او اعتماد کرده برای او احترام قائل‌اند و لذا از او هم انتظاراتی دارند.

معلم و مربی باید متوجه باشد که اثر وجودی او رفتار و گفتار و محبت او حتی اخلاص و نیت پاک او می‌تواند تأثیر عجیبی بر اعتماد دانش‌آموز داشته باشد و خلاصه در سرنوشت انسانهای امروز و انسانهای فردا دخالت مستقیم دارد. به بیان دیگر مکتب او مکتب انسانساز است انسانهایی که در جامعه فردا باید زمامداران دلسوز مملکت او شوند وزیران و نمایندگان ملت و طبیبان و مهندسان و کارشناسان مردمی گردند که جان و مال و آبرو و دینشان را در سایه آنها محفوظ می‌بینند آری معلمان و دبیران باید انسانهای واقعی برای ملت خود تربیت کنند نه درنده خویانی که در قلبشان ذره‌ای رحم

و شفقت و نوع دوستی و انصاف وجود ندارد و باطنشان از نیرنگ و ریا و نفاق و دروغ و تهمت پر شده باشد و معلم صاحب قدرت و فعال مایشاء و زمامداران مستبد در کلاس درس نیست تا انتظار داشته باشد که کودکان و نوجوانان همچون بندگان و بردگان او بوده باید بیچون و چرا از او اطاعت کنند. برعکس باید کلاس درس برای محصل میدان حسات و نفس کشیدن و جای آزمایش استعدادها و محل تشکیل عادات و خصائل پسندیده باشد.

کلاس باید نمونه محیطی انسانی و محیطی پاک و صاف و زدوده از زنگارهای خودبینی و رعب و قدرت طلبی باشد تا محصل با اعتماد کامل بتواند خود را از این آئینه پاک و صاف به معلم عزیز و مورد اطمینانش نشان دهد. و معلم بلندنظر و پاک نیت هم در این آئینه بتواند به نقایص فرزند عزیزش آگاهی یابد و چشم و بصیرت او را از افق کلامس به جو جامعه باز نماید.

معلم در این میدان پدری است و یا مادری است مهربان و رهبری است روحانی که با رفتارش حسن اعتماد و احترام و بزرگتر از آن محبت و اخلاص دانش آموزان و نوجوانان را به خود جلب می نماید.



و با احترام متقابل و راهنمایی‌های عاقلانه خود آنها را به راه هدایت و سعادت سوق می‌دهد و از جهالت‌ها و انحراف‌ها و مفاسد محفوظ می‌دارد. یعنی کار بسیار مشکلی که همان رسالت انبیاء است. کار مشکلی که جز از معلمان از قدرت دیگران خارج است.

## تربیت و وظایف آن

تعریف اصطلاحی کلمه: چنانکه دانشمندان علم تربیت نظر می‌دهند.

معنی این کلمه اگرچه از جهت شکل لفظ بظاهر متعدد و مختلف شده است اما بنظر این دانشمندان و بخصوص علمای جدید این الفاظ در اصل و اساس با هم توافق دارند. جولز سیمون<sup>۱</sup>: در تعریف تربیت گفته است: تربیت طریقه‌ای است که عقل بوسیله آن عقل دیگر و قلب قلب دیگری می‌شود.

پستالوزی گوید<sup>۲</sup>: تربیت رشد دادن تمام نیروهای کودک به طور کامل و هماهنگ است. هربرت اسپنسر<sup>۳</sup>: گفته است تربیت عبارت است از آماده ساختن انسان برای آنکه بتواند یک زندگی کامل داشته باشد.

کانت گوید<sup>۱</sup>: هدف از تربیت این است که انسان را به کمال ممکن برسانیم.

<sup>۱</sup> Jules Simon ۱۸۱۴-۱۸۹۶ - از فلاسفه و اساتید فرانسه است

<sup>۲</sup> Pestalozzi ۱۷۴۶ - ۱۸۲۷ - از مشهورترین مربیان سوئیس.

<sup>۳</sup> Spencer ۱۸۲۰ - ۱۹۰۲ - فیلسوف مشهور انگلیسی.

خلاصه معنی تربیت بعد از این تعاریفات متعدد عبارت است از آماده ساختن افراد بطور کامل آنچنانکه شایستگی زندگی اجتماعی را دارا شوند اجتماعی که دارای هدف باشد. و به معنی دیگر ممکن است تربیت را نوعی کار عملی بشمار آورد که میان دانش آموز و محیطی که می‌خواهند او در آن زندگی کند ارتباط و کیفیت خاصی بدهد.

خلاصه نظریه مذکور این است که همانطور که عضلات یک بدن با حرکات و بازیهای تمرینی نشاط و نیرو می‌گیرد مسلکات عقل هم بوسیله تحقیق و بررسی مواد مشکل نیرومند می‌شود. بر این اساس علم را بمنزله پایگاه ترقی شمرده‌اند که ملکات عقل بر آن پایه‌گذاری می‌شود.

### ویژگیهای تربیت دختران

والدین، اغلب در مسیر تربیت دختران با دشواری مواجه‌اند... حال می‌خواهیم نظر اسلام را در این زمینه بیان کنیم.

در آغاز باید نیک بدانیم که دختر هم مانند پسر انسان است و وظیفه ما پرورش جنبه‌های انسانی وجود او به شکلی است که روح و روانش را نیازارد. و او را در موقعیتی

---

<sup>۱</sup> Cant - فیلسوف آلمانی که سه رساله دارد درباره عقل و فکر و اطفال طبیعت آنها - ۱۸۰۴ - ۱۷۲۴.

قرار ندهد که در کردار و رفتار خویش همچون انسانی متهم، خود را جوابگوی لحظه لحظه اوقات و عملکردهای خویش و اسیر نگاههایی ببیند که او را محاصره کرده است. تربیت دختران معمولاً بر این پایه شکل گرفته است که «دختر» «عار» و «آبرو» است و بر او از «مرد» باید ترسید و ناچار باید او را در چارچوبی محدود و در بسته محبوس کرد که کلیدش را فقط پدر و برادر در دست داشته باشند.

حال آنکه در اسلام، «عار» مسئله‌ای فردی است و اگر کسی مرتکب خطایی شود مسئولیتش صرفاً بر گردن خود اوست و خانواده‌اش هیچ دخلی در آن ندارند. وظیفه‌ای که ما بر عهده داریم این که دختران و پسران را به شکلی تربیت کنیم که احساس کنند انسانهایی هستند صاحب اختیار که راه و روش زندگی‌شان را خداوند مشخص نموده است و از جنبه‌های گوناگون روحی، جسمی، عقلی و رفتاری باید به آن پایبند بمانند.<sup>۱</sup>

### عالیترین انتساب

<sup>۱</sup> . دریچه‌ای به دنیای جوانان - آیت ... سید محمدحسین فضل ... - ص ۱۰۰

حضرت علی (ع) می‌فرمایند: «ادب و تربیت خوب از هر بستگی سببی و نسبی شریفتر و افتخارآمیزتر است.»<sup>۱</sup>

### بهترین میراث

حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «هیچ ارثی مانند ادب و اخلاق پراج و گرانمایه نیست.»<sup>۲</sup>

حضرت سجاد (ع) در انجام وظیفه سنگین تربیت فرزند، از خداوند بزرگ استمداد می‌نمود و در ضمن دعاهاى خود در پیشگاه الهی عرض می‌کرد:

بارخدايا مرا در تربیت و ادب و نیکوکاری فرزندانم یاری و مدد فرما.

### بروز نتایج تربیت

موقعیکه عقل بالغ می‌شود و به محیط پرشور نوجوانی قدم می‌گذارد و قوای جسم و جانش با سرعت شکوفا می‌شوند، نتایج خوب و بد تربیت‌های دوران کودکی نمایان‌تر می‌گردند و با قوت و شدت بیشتری ظهور می‌نمایند، بطوری که تمام گفتار و رفتار نوجوان را تحت تأثیر قرار می‌دهند.

کودک وقتی از مادر متولد می‌شود هیچ نمی‌داند و صفحه دلش از نقش هر علم و دانشی خالی است. ولی خداوند وی را با وسایل دانش‌آموزی مجهز فرموده است، به او

<sup>۱</sup>. روضه کافی، ص ۱۵۰

<sup>۲</sup>. نهج البلاغه فیض، ص ۱۱۲۹

ذهن مستعدی عطا کرده که تدریجاً تکامل می‌یابد و آمادهٔ فراگرفتن مطالب علمی می‌شود، همچنین به او چشم و گوش داده تا ذهن را با جهان خارج مرتبط کند و از راه مسموعات و مبصرات، حقایق را درک کند و به مدارج علم و معرفت نائل گردد.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. جوان از نظر عقل و احساسات - هیئت نشر معارف اسلامی - ص ۲۶۸

## بخش دوم: «شخصیت»

یکی دیگر از مباحث مهم در قلمرو روان‌شناسی تربیتی، بررسی نقش تربیتی اولین مربیان و معلمان کودکان و نوجوانان، یعنی «پدر و مادر» از همان ابتدای اندیشه فرزندآوری است؛ چرا که شخصیت افراد در خانه و کانون خانواده شکل می‌گیرد. تولد فرزندان در خانه، بزرگترین موهبت و نعمت خداوندی است، زیرا مهمترین رسالت والدین تعلیم و تربیت صحیح و شکوفا ساختن استعدادهای بالقوه این امانت الهی است. وجود نوزاد تازه به دنیا آمده، کاملاً بکر و مستعد هرگونه شکل‌پذیری و تربیت‌پذیری است. چگونگی شکل‌گیری شخصیت کودکان با نحوه نگرش والدین نسبت به آنها و رفتار تربیتی ایشان در ارتباط است. اینکه پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرمایند:

«به شخصیت فرزندانان بها دهید و آنان را محترم و گرامی بدارید، با آنها با محبت و نیکی رفتار کنید و با گفتار و کردارتان بهترین آداب زندگی را به آنان بیاموزید» بیانگر توجه به ارزش و منزلت کودک در نظام الهی است. الحق، الگوهای همچون مادر و پدر در سالهای اولیه رشد کودکان که بسیار سریع و حساس است بیشترین مسئولیت را در نقش‌پذیری بچه‌ها، ظهور رفتارهای اجتماعی و شکل‌گیری آنها دارند.

در اینجا قبل از اینکه به اختصار و فهرستوار به عوامل موثر در تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان بخصوص خانه و مدرسه اشاره‌ای داشته باشیم، تعریف مختصری از معنا و مفهوم شخصیت ارائه می‌کنیم.<sup>۱</sup>

### شخصیت چیست؟

به طور کلی شخصیت مجموعه رفتارها و ویژگیهایی است که انسان خاصی را مشخص می‌کند. در نظر روان‌شناسان، شخصیت، عبارت است از وحدت مخصوصی که از مجموع صفات طبیعی و اکتسابی بالنسبه ثابت فردی بوجود می‌آید و او را در سازشهای عمومی و برخوردهای اجتماعی از سایر افراد متمایز می‌سازد.<sup>۲</sup>

### صفات پایدار

منظور از شخصیت، وحدتی است که از صفات ظاهری و انگیزه‌های نهانی به وجود آمده است و ما از همه صفات مختلف فرد، آن صفات را جزء شخصیت او می‌شماریم که نوعی پایداری داشته باشد. اگر شخصی عادتاً آرام است و گاهی برانگیخته می‌شود آرامی صفت شخصیت اوست نه انگیزش‌پذیری»

<sup>۱</sup> . روان‌شناسی تربیتی - دکتر غلامعلی افروز - ص ۱۱۶

<sup>۲</sup> . جوان از نظر عقل و احساسات هیئت نشر معارف اسلامی

کسانیکه شخصیت اخلاقی آنان به آرامی و ملائمت است اگر احیاناً در مورد مخصوص خشمگین و برافروخته شوند خیلی زود از کرده خود پشیمان می گردند. زیرا آن حالت زودگذر با شخصیت اخلاقی و وضع روحی آنان ناسازگار است.<sup>۱</sup>

### منشأ شخصیت

یکی از مسائلی که در بحث شخصیت مور تحقیق و گفتگوی روان شناسان قرار گرفته و دانستن آن برای نسل جوان مفید و سودمند است شناختن منشأ شخصیت است. برای آنکه جوانان بتوانند شخصیت را تا جائیکه ممکن است و در سازگاریهای اجتماعی به شایستگی موفق شوند لازم است به منشأ شخصیت خود پی ببرند.<sup>۲</sup>

صفات اختصاصی شخصیت هر یک از افراد بشر که پایه سازشهای اجتماعی اوست از دو منشأ اساسی سرچشمه می گیرد یکی وراثت طبیعی و دیگری محیط تربیتی است. عبارت دیگر صفات و ممیزات شخصیت آدمی بر دو نوع است:

یکی صفات طبیعی و دیگری صفات اکتسابی است.<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> . اصول روان شناسی مان صفحه ۱۵۰

<sup>۲</sup> . جوان از نظر عقل و احساسات صفحه ۳۵

<sup>۳</sup> . مجله رشد شخصیت صفحه ۳۰



جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoo.cn.com](http://www.kandoo.cn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۰۵۱۱ تماس حاصل نمایید

## اثبات شخصیت

جوانانی که از نظر طبیعی سالم و موزون آفریده شده‌اند، و از نظر تربیتی نیز در پرتو مراقبت‌های والدین و مربیان لایق خود، با صفات حمیده و سجایای اخلاقی پرورش یافته‌اند به آسانی خود را با محیط جامعه تطبیق می‌دهند و خیلی زود به اثبات شخصیت و حسن سازگاری با محیط موفق می‌شوند. برعکس جوانانی که از نظر طبیعی در افکار یا اندامشان نقائص و عیوبی وجود دارد یا در محیط خانواده و اجتماع، بد تربیت شده‌اند و از والدین و مربیان خویش صفات ناپسندی را فرا گرفته‌اند در اثبات شخصیت و سازش‌های اجتماعی با مشکلات گوناگونی روبرو هستند. بعضی از آنها با دشواری و زحمت تا اندازه‌ای خود را با جامعه منطبق می‌کنند و بعضی تا پایان عمر از هم‌آهنگی اجتماعی محرومند و هرگز به توافق با محیط زندگی موفق نمی‌شوند.

## جوان و محیط اجتماعی

زندگی اجتماعی فرزندان بشر با سپری شدن دوران بلوغ و فرا رسیدن ایام جوانی آغاز می‌شود و جوانان به محیط وسیع جامعه قدم می‌گذارند. ضرورت زندگی ایجاب می‌کند که جوانان با طبقات مختلف مردم بیامیزد و مانند چرخ گردنده‌ای با گردش چرخهای

گوناگون اجتماع بگردد، مسئولیتی را بعهده بگیرد و برای جامعه کار کند،<sup>۱</sup> جامعه نیز او را به نام یک فرد مفید و فعال بشناسد و عضو زنده‌ای در پیکر اجتماعش بداند نیل به این هدف بزرگ و اساسی ملتزم احراز شخصیت و به دست آوردن صفات پسندیده و متناسب برای سازگاری با اجتماع است.

### اسلام و صفات شخصیت

در آئین مقدس اسلام مسئله شخصیت اجتماعی افراد از نظر صفات طبیعی و اکتسابی و همچنین موضوع سازگاری با محیط و حسن معاشرت با مردم مورد توجه مخصوص قرار گرفته است. و اولیاء گرامی اسلام ضمن احادیث بسیاری صفات پسندیده شخصیت و ارزش سازگاری با محیط را به عبارات مختلفی توضیح داده و به پیروان خود خاطرنشان نموده‌اند و در اینجا به بعضی از آنها اشاره می‌شود.

از حضرت سجاد (ع) حدیث شده که رسول اکرم در خطبه خود فرمود:

خیر و سعادت برای کسی است که اخلاقش پسندیده و خویش پاک باشد، باطنش نیکو و ظاهرش خوب باشد، مازاد اموال خود را انفاق کند و از اداء سخنان زائد امساک نماید و با همه مردم به عدل و انصاف رفتار کند.

<sup>۱</sup> . جوان از نظر عقل و احساسات هیئت نشر معارف اسلامی صفحه ۴۰

## شخصیت فرزندان

بعضی پدران و مادران تصور می کنند که فرزند آنها برای اطاعت و فرمانبری از بزرگترها آفریده شده است؛ غافل از آنکه طفل دارای عواطف و تمایلاتی است. که اگر به آنها ارزش ندهند و به سئوالات او جواب نگویند شخصیت او را غیرمستقیم و روزبروز ضعیف می کنند. به طوری که در آینده قادر به انجام مسئولیتهای خود نخواهد بود. بعضی مادران و پدران، فرزندان را اصلاً جزء انسانها به حساب نمی آورند. گفتارها و سئوالهای فرزند را با بی اعتنائی تلقی می کنند و گاه به او می خندند که خواه ناخواه فرزند این خنده را به حساب مسخره کردن و تحقیر خود می آورند. تکرار و ادامه این روش تدریجاً فرزند را در نظر خودش خوار و ضعیف می نماید و شخصیت او را تنزل می دهد. ممکن است گفته شود پس مادران و پدرانی که به جهت نداشتن علوم کافی جواب سئوالات کودکان را نمی توانند بدهند چه کنند؟

جواب گوئیم در مرحله اول این عذری است غیرقابل قبول. پدر و مادر باید سعی کنند خود را از جهت معلوماتی که مورد نیاز و مورد سئوال فرزند است مجهز سازند.

در مرحله دوم اگر پدر و مادر از ده سئوال او یک یا دو سئوال را نمی دانند صریحاً بگویند نمی دانیم خود این جمله اعتماد کودک را به پدر و مادر جلب می کند. به علاوه

فرستی است که پدر و مادر می‌توانند جواب سؤال او را تحقیق کرده بعداً به او بگویند. ضمناً جواب سؤالهای فرزند را با ابتکار و دقت می‌توان در قالب مثالهایی قابل فهم به او تحویل داد. طوری که نه گمراه شود و نه سؤالهای او بی‌جواب باقی بماند.<sup>۱</sup>

در جریان کودکی دوم، مفهوم درستکاری، وظیفه‌شناسی و احترام و غیره تجلی می‌کند و غالباً وجدان اخلاقی یعنی حس تشخیص نیک و بد، اهمیت اساسی داشته و تا حدود زیادی شخصیت فرد را تحت سلطه خود دارد.<sup>۲</sup>

شخصیت مطلوب، شخصیتی است متعادل و متعالی. زمینه رشد و تعالی وجود کودکان و نوجوانان آن گونه که بایسته و شایسته است زمانی مقدور و میسر خواهد بود که آنها از یک شخصیت متعادل و هماهنگ برخوردار باشند.

مراد از رشد شخصیت متعادل این است که تمامی جنبه‌های وجودی فرد، همه استعدادها و قابلیت‌های بالقوه او در زمینه‌های زیستی، حسی، حرکتی، شناختی، عاطفی، اخلاقی، معنوی، و ... همانند یک شجره طیبه، بطور هماهنگ شکوفا شوند. فقط در سایه بهره‌مندی از چنین رشد متعالی است که بستر کمال و تعالی وجود فراهم می‌شود.

<sup>۱</sup> . راه و روش تربیت: حسین ادیب

<sup>۲</sup> . جوان از نظر عقل و احساسات هیئت نشر معارف اسلامی صفحه ۴۱ و ۴۲

## بشر و خواهش عزت نفس

خواهش عزت نفس و شرافت، یکی از تمایلات عالیة انسانی است که به قضاء حکیمانه خداوند با سرشت بشر آمیخته شده و در نهاد آدمیان ریشه فطری دارد. تمام مردم بطور طبیعی به شرافت و عزت نفس متمایلند و از آن خشنود می گردند و از پستی و فرومایگی متنفرند و از آن احساس رنج و عدم رضایت می نمایند.

خواهش عزت نفس مانند سایر تمایلات طبیعی، از روز اول ولادت بطور زمینه و استعداد در نهاد فرزندان بشر نهفته است و به موازات رشد و نمو شان آن تمایل نیز تدریجاً شکوفا می شود و رنگ تحقق و فعلیت به خود می گیرد.

اگر محیط پرورش کودک خوب باشد و برنامه تربیتش بر اساس صحیح پایه گذاری شود، اگر والدین و مربی، خود دارای شرافت معنوی باشند و طفل را به شایستگی به بار آورند تمایل عزت نفس در نهاد وی بخوبی شکفته می شود و با سجدیه شرافت رشد می کند. برعکس اگر محیط خانواده فاسد باشد، اگر والدین و مربی بر اثر پستی و فرومایگی اساساً معنی عزت نفس را درک نکنند طفل نیز زبون و پست به بار می آید و خواهش واپس رفته عزت نفسش رفته رفته به دست فراموشی سپرده می شود و در اعماق ضمیرش دفن می گردد.

کودکی که همواره از مراقبت‌های درست والدین و مربیان لایق برخوردار بوده و به شایستگی تربیت شده است، کودکی که در خانه شریف و محیط سالم زندگی کرده و از اول با شرافت نفس بار آمده است وقتی به دوران پرشور بلوغ و نوجوانی می‌رسد و احساسات آتشین ایام جوانی سراسر وجودش را مسخر می‌سازد حس شرافت دوستیش تشدید می‌شود و خواهش عزت نفس با نیرومندی تمام در نهادش بروز می‌کند.<sup>۱</sup>

### عزت نفس و آزادگی

عزت نفس مایه آزادگی و علو همت است. افراد شریف و عزیزالنفس هرگز به ذلت و بندگی دیگران تن نمی‌دهند و سرمایه شرافت و آزادگی خود را با هیچ متاع گرانبهائی معامله نمی‌کنند.

علی (ع) به فرزند خود حضرت مجتبی توصیه فرموده است که «نفس خویش را عزیز بشمار و به هیچ پستی و فرومایگی تن مده گرچه عمل پست، تو را به تمنیات برساند، زیرا هیچ چیز با شرافت نفس برابری نمی‌کند و هرگز به جای عزت از دست داده، عوضی

<sup>۱</sup>. جوان از نظر عقل و احساسات - هیئت نشر معارف اسلامی - ص ۲۷۳

همانند آن نصیب نخواهد شد. فرزند عزیز، آزادگی را از کف مده و بنده و برده دیگران  
مباش که خداوند تو را آزاد قرار داده است.<sup>۱</sup>

عزت نفس برای همه مردم در کلیه شئون زندگی فردی و اجتماعی، مادی و معنوی و  
همچنین در تمام ادوار حیات از دوران کودکی و جوانی تا ایام میانسالی و پیری یکی از  
ارکان اساسی خوشبختی و سعادت است.

### مراعات شرف کودک در خانواده

کودکان مانند بزرگسالان به شرافت معنوی و شخصیت خود علاقه دارند و اگر کسی به  
حیثیتشان آسیبی برساند سخت رنجیده خاطر و غمگین می شوند و از خود عکس العمل  
نشان می دهند. والدین و مربیان اگر بخواهند به کودکان خود دستورالعملی بدهند یا در  
محیط خانواده مراتب قدرت خود را اثبات کنند باید مراعات شرافت کودک را بنمایند و  
طوری رفتار کنند که عزت نفس اطفال مجروح نشود و شخصیتشان سرکوب نگردد. چه  
اگر با آنان آمرانه سخن گویند و با خشونت برخورد نمایند نه تنها از دستورشان اطاعت  
نمی کنند بلکه آشکارا به مخالفت و ستیز بر می خیزند و به این وسیله از گفتار و رفتار  
تند اولیاء خود انتقام می گیرند.

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه - نامه ۳۱



## آئین اسلام و عزت نفس

پیشوای گرامی اسلام از آغاز دعوت به مسلمین درس عزت نفس و علو طبع داد و آنان را با شرافت معنوی و فضیلت روحانی تربیت کرد و این موضوع بقدری مهم و ارزنده وانمود شده که خداوند در قرآن شریف عزت نفس مومنین را در ردیف عزت خود و عزت پیغمبر گرامی خود به حساب آورده است.

«عزت برای خدا و برای پیغمبر و برای مومنین است.»

در آئین مقدس اسلام، تمام افراد مسلمین از زن و مرد - فقیر و غنی - ضعیف و قوی - خلاصه هرکس از هر طبقه و در هر مقام بقدری عز و شرفش محترم است که به موجب روایات بسیاری، خداوند اهانت هریک از آنان را مخالفت و محاربه با خود شناخته است.

در مکتب اسلام تمام افراد وظیفه دارند حیثیت و عزت نفس خود را محترم شمارند و از ذلت و زبونی اجتناب کنند و هیچ مسلمانی حق ندارد موجبات پستی و اهانت خود را فراهم آورد.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. جوان از نظر عقل و احساسات - هیئت نشر معارف اسلامی - ص ۲۹۰

امام صادق (ع) فرمودند: «خداوند تمام کارهای مسلمان را به خود واگذار کرده و در

اختیارش قرار داده است ولی به او اجازه و اختیار نداده که خود را ذلیل و خوار نماید.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. کافی ۵ - ص ۶۳

## بخش سوم

### خانواده و مسائل نوجوانان و جوانان

الف: خانواده

بخش اول: تربیت و مسائل عاطفی

الف: خانواده و تربیت

از نظر اسلامی خانه کانون مقدس و نخستین پایگاه برای تربیت، سازندگی و حتی آفرینندگی انسان است. این کانون گرم و روشن که مبتنی بر دو رکن عاطفه و فرد است می تواند افرادی پروراند آزاد، آگاه، آشنا به حدود و وظائف و مسئولیت، سرباز، نگهدار خود و جامعه خویش.

خانه می تواند آموزشگاهی باشد که در آن افراد درس مهر، آشتی، بردباری، ایمان، اخلاق و تعادل را می آموزند یا مدرسه ای که در آن درس کینه و انتقام، ترشروئی، نابکاری، خیانت و دوروئی آموخته می شود.

با همه نفوذهایی که آدمی در طول مدت حیات از جامعه و مدرسه و همبازیها می‌گیرد باز نفوذ خانواده در او بیشتر و تا پایان عمر در او وجود دارد به همین نظر از نظر عالمان تربیت نقش خانواده نقش فوق‌العاده و موثرتر از نقش دیگر موسسات است. خانواده در فرزندان سازندگی ایجاد می‌کنند، آنها را به مبانی فرهنگی، دانش، آگاهی‌های روز مجهز می‌سازند طریق زندگی صحیح و آداب زندگی اجتماعی را می‌آموزند، مهر و اخلاق به فرزندان می‌دهند و بالاخره آنان را به اخلاق و ادب مجهز می‌نمایند.

### وظایف والدین

آنکس که در طریق پدر یا مادر شدن است بیش از هرچیز باید به وظایف و برنامه‌های خویش آشنا باشد. نخستین وظیفه آگاهی از هدف، روش و برنامه زندگی است. این دستور مذهب ماست که بدانیم چرا زنده‌ایم؟ و به خاطر چه امری آفریده شده‌ایم؟ زندگی چیست؟ و چه هدفی را باید در آن تعقیب کرد؟

همچنان برای آنان که در صدد تشکیل خانواده‌اند رعایت این نکات ضروری است که چرا تشکیل خانواده می‌دهند و در انتخاب همسر چه اصول و ضوابطی را باید در نظر بگیرند، چه نکته‌هایی در زناشوئی باید موردنظر باشد.

در طریق تربیت نسل مادران وظایفی به مراتب دشوارتر است از آن بابت که بیش از پدر در جنین و تربیت نسل نقش دارند. بدین نظر پیش از ازدواج دقتها و مراقبتهائی در کسب آگاهی‌های لازم باید داشته باشد. با بدنیا آمدن فرزندان سه دسته وظایف در تربیت نسل به عهده والدین قرار می‌گیرد. وظایفی در جنبه تن که شامل حفظ بدن از خطر، تغذیه مناسب، حفظ بهداشت، توجه به پوشاک و مسکن است. وظایفی در جنبه مغز که شامل مراقبت هوش، حافظه و جنبه‌های استعدادی و ذخایر خدادادی است و بالاخره وظایفی در جنبه روان ذهنی که شامل رشد و پرورش روان، ایجاد خوی و ملکات فاضله در افراد، احیای تمایلات عالی فطری چون ایثار، جهاد، شهادت و ... والدین مسئول با اهدافی که در تشکیل خانواده و پدید آمدن فرزندان در نظر می‌گیرد موظف به آگاهی و انجام این امور بر اساس روشهائی پسندیده و برنامه‌ای زمان‌بندی شده‌اند که کیفیت آن در کتب اسلامی ما بطور مشروح آمده است.

### سخنی دیگر درباره نخستین مربی کودک

محیط تربیت انسان در روزهای اول زندگی همان خانه است و اولین مربی او همان مادر و سپس پدر و افراد دیگر خانه می‌باشند. عاداتها و خصلتها در این محیط در وجود کودک پایه‌ریزی می‌شود. و لذا این دوره را از مهم‌ترین دوره‌های شکل‌پذیری می‌شود

گرچه زمینه‌های تربیت طفل از مراحل قبل از بدنیا آمدن او شروع می‌شود. بدین معنی که افکار و عقاید و عادات و خصائل و حتی غذای پدر و مادر در آمادگی فرزند که از آنها بوجود می‌آید تأثیری بزرگ دارد.

پدر و مادر اولین و مهمترین مسئول تربیت فرزند می‌باشند و اگر جامعه بشری و بخصوص پیشوایان عالیمقام اسلام برای پدران و مادران عزت و احترامی بس بزرگ قائل شده‌اند در قبال مسئولیت مقدس و وظایف ارزنده‌ای است که برای تربیت و تعلیم فرزندان بعهده می‌گیرند. بنابراین اینطور نیست که بعضی پدران و مادران تصور می‌کنند تنها آنان بر فرزندان حق دارند و آنها حق بزرگ. بلکه باید بدانند که در اسلام هیچگاه حق یک طرفه نمی‌شود یعنی کودک هم از همان روز نخست زندگیش حقوق بر پدر و مادر خویش دارد که باید این حقوق از طرف آنها ایفا شود.

همچنانکه فرزند ممکن است با عصیان و آزار به پدر و مادر خشم و نارضایتی آنها را فراهم سازد پدر و مادر هم ممکن است بر اثر انجام ندادن وظایفشان در باب فرزند مورد خشم فرزند شوند.

پدر و مادر باید بدانند که اگر فرزندشان خوب باشد یا بد از آنها بوجود آمده است و آنها در تربیت و تأدیب فرزندشان مسئول اند رفتار پدر و مادر با فرزند باید آنگونه باشد که

یقین داشته باشند اگر به فرزندشان نیکی کنند پاداش آنرا دریافت خواهند کرد و اگر بدرفتاری نمایند به کیفر آن خواهند رسید.

کودک در روزهای اولی زندگیش قابلیت و آمادگی عجیبی دارد و او باسانی شکل می‌گیرد و برای هر عادتى پذیرش نشان می‌دهد چه این عادت او را به سعادت سوق دهد یا به شقاوت. او با تربیت صحیح و رفتارهای نیک پدر و مادر می‌تواند یک انسان با فضیلت شود و یا بر اثر تربیت غلط و رفتارهای بد بصورت حیوانی پست بار آید. خوشبختی و بدبختی آینده هر فردی به کیفیت پرورش او در روزهای اولی زندگیش بستگی کامل دارد. و این وظیفه مقدس در اولین محیط و اولین کلاس یعنی خانه به عهده اولین مربی یعنی مادر و سپس بر عهده پدر گذاشته شده است. این مادران و پدرانند که می‌توانند با محبت همراه با تدبیر خود و با حسن رفتارهای خویش خدمت بزرگی به جامعه کنند. یعنی می‌توانند در تربیت و ساختن افرادی مهربان و خیرخواه آزادمنش و شجاع درستکار و دانا شریف و مومن فعال پایه‌گذار باشند. پیامبر اکرم فرمود: بهترین عطیه و ارزنده هدیه‌ای که پدر می‌تواند به فرزندش بدهد ادب و تربیت

است.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. راه و روش تربیت حسین ادیب صفحه بیست

مادر سهم بزرگتری را در تربیت و ساختن فرزند دارد بطوری که افکار و عقاید مادر و حتی خوراک او در دوران بارداری در سعادت و شقاوت فرزندش تأثیر زیاد دارد. به همین جهت پیامبر اسلام فرموده است: سعادت‌مند کسی است که سعادتش از همان دوران بارداری مادر و در شکم مادر پایه‌گذاری شده است و بدبخت کسی است که زمینه بدبختی او از دورانی که در شکم مادر زندگی می‌کرده شروع شده است.

البته این مطالب به آن معنی نیست که عوامل دیگر از قبیل رفتار پدر و مادر در خانه و زحمت و تربیت معلم در مدرسه و اوضاع و شرایط اجتماعی در جامعه مؤثر در شکل‌پذیری افراد و تعیین‌کننده سرنوشت آنها نمی‌باشد. بلکه مقصود این است که طفل با آمدنش به دنیا سرمایه‌هایی را همراه خود می‌آورد که می‌تواند در آینده او دخالت کنند.

بنابراین باید دانست که اولاً کار تربیت از روز تولد نوزاد شروع نمی‌شود بلکه مراحل پیش از آن هم باید مورد توجه خاص قرار گیرد ثانیاً اگر این سرمایه‌ها نیکو باشد زمینه‌هایی را برای سعادت فرد در زندگی آینده‌اش فراهم می‌سازد و اگر این سرمایه‌ها بر اثر سهل‌انگاری و غفلت و جهالت یا بی‌تقوایی و بی‌ایمانی مادر مناسب و نیکو نبود می‌تواند زمینه‌ای برای شقاوت فرد در زندگی بعدی ایجاد نماید با توجه به اینکه عامل



وراثت و عامل تربیت محیط و شرایط اجتماعی و نیز استعدادهای خدادادی فرد و همت و اراده خود شخص هریک در خوشبختی و موفقیت‌های انسان سهم مخصوص به خود را دارد. و گاه ممکن است قدرت و زیادت یک عامل ضعف و نقص عامل دیگر را جبران کند. مثلاً اگر شخصی از یک محیط مناسب زندگی و از یک تربیت خوب برخوردار باشد آن محیط مساعد و این تربیت خود نقصهای وراثتی او را تحت‌الشعاع قرار می‌دهند و شخص را در زندگی موفق و سعادتمند می‌سازند.

یا ممکن است فردی از محیط مناسب اقتصادی و اجتماعی بهره کافی ندارد اما با بکار انداختن قوای باطنی خود و یا اراده و همت خویش راه کامیابی و سعادت را برای خود هموار سازد و کسریهای اقتصادی و اجتماعی را به این وسیله جبران کند.

خلاصه آنکه خدای مهربان راه‌های مختلف و عوامل متعددی را برای کمال و سعادت‌مندی انسان در پیش روی او نهاده است که اگر از عاملی محروم ماند عامل دیگر به یاری و کمک او بشتابند و مانع را از سر راه او بردارد.

دانستیم که مادران و پدران از جهت تربیت فرزندان در برابر اجتماع مسئول‌اند و در این باب مسئولیت مادر خیلی بیش از پدر است زیرا اولاً تمایل و نیاز فرزند در دوره اولی تربیت به مادر وسیعتر و زیادتر است و ثانیاً طبیعت و آفرینش در ساختمان

جسمی و روحی زن برای ساختن مردان بزرگ اجتماع هنر و دقت خاصی بکار برده  
است که در خلقت مرد این ظرافت و امتیاز وجود ندارد.

### معلم اول کودک

اولین معلمی که درس زندگی به کودک می آموزد و در دل پاک او نقشهای خوب و بد  
ترسیم می کند پدر و مادر است. اولین عاملی که دل بی آرایش طفل را به صفات  
پسندیده یا ناپسند متصف می سازد و در وی تمایلات روا یا ناروا را پدید می آورد تربیت  
خانوادگی است.

جسم و جان کودک در محیط خانواده پرورش می یابد و اساس اولیه ساختمان اندام و  
اخلاق وی در دامن والدین پی ریزی می شود، پدران و مادران دانا و دلسوزند که  
می توانند فرزندان لایق و شایسته بسازند و برعکس والدین بی علاقه و نادانند که  
فرزندان را افراد فاسد و نالایق بار می آورند.

کودک دانا پیروند به دامن

باید تا مادران با خرد و رأی

دامن مادر بود نخست دبستان

مادر آموزگار و طفل نوآموز

### پی ریزی قواعد زندگی

البته طفل می تواند در آینده بر آسمانهای پیروزی پرواز کند، ولی تقدیر طفل مرتبط با کسانی است که وی را زیر نظر و تحت کنترل خویش می گیرند و اولین قواعد و قوانین را برای طرز رفتار و اخلاق او پی گذاری می نمایند و اولین توقعات او را درباره زندگی بنا می کنند.

### خانواده و تربیت

هیچ گونه تشکیلات اجتماعی در ساختن طفل به اندازه خانه مؤثر نیست، زیرا در آن، اولین قالب ریزی اخلاق انجام می گیرد. در یک خانه (خوب) و شایسته، وسائل کمال زودتر و سریعتر آماده می گردد و به طفل کمک می شود که قدم به قدم در راه اعتماد به نفس لیاقت، علاقه مندی به کار و مسئولیت و تفاهم پیشرفت نماید.

در خانه (بد) از پیشرفت بطرف کمال جلوگیری می شود، طفل احساس می کند که کسی او را نمی خواهد و شاید به همین جهت او با اعتماد و اطمینان در زندگی حرکت نمی کند، و یا آنکه از بس او را تهدید می کنند وحشت زده می شود و از همه چیز هراس دارد به طوریکه پس از چیزی از زندگی خجالت زده می شود، یا آنکه والدین طوری با او رفتار می کنند که طفل هیچ وقت نمی تواند عکس العمل آنها را در وقایع، پیش بینی نماید. بنابراین دائماً در یک حالت عصبانی به سر می برد، یا آنکه او خود موضوع یک

نوع رقابت حسودانه بین والدین خویش قرار می‌گیرد، یا آنکه برای به دست آوردن آنچه که بدان محتاج است مجبور می‌شود از راه آنچنان رقابت مهاجمانه‌ای وارد شود که چیزی نمی‌گذرد که کلمه (دشمن) خیلی بیشتر از کلمه (دوست) برای او مفهوم پیدا می‌کند، یا آنکه به وسیله معاشرت با دیگران به این نتیجه غلط می‌رسد که اگر از برآوردن احتیاجات فردی صرف‌نظر شود دیگر زندگی هیچ گونه معنایی نخواهد داشت. کسانی که در این قبیل خانه‌ها و خانواده‌ها متولد می‌شوند فقط از دوران بچگی به دوران بلوغ پا می‌گذارند ولی نمی‌توانند به شایستگی مدارج ترقی را بسوی کمال بپیمایند.

### شریفترین خدمت

پدران و مادران، با تربیت صحیح فرزندان، بزرگترین دین ملی و انسانی خویش را ادا می‌کنند و مهم‌ترین وظیفه اسلامی خود را نسبت به آنان انجام می‌دهند. در مکتب آسمانی اسلام، هیچ خدمتی از ناحیه پدران و مادران درباره فرزندان، شریفتر و عالیتر از تربیت صحیح نیست.<sup>۱</sup>

<sup>۱</sup>. جوان از نظر عقل و احساسات - هیئت نشر معارف اسلامی - ص ۲۷۲

حضرت علی (ع) فرموده‌اند: «هیچ پدری به فرزندش تغضل ننموده است که عالیترو

شریفتر از تربیت خوب باشد.»<sup>۱</sup>

### مراقبت‌ها در هفت سال سوم

فرزندان ما در این دوره از سن خود در وضعی هستند که به اندازه کافی رشد کرده و قادرند سرپای خود بایستند. به علت زندگی و معاشرت با افراد مختلف، دیدن گروه‌ها و دستجات آگاهی‌هایی به دست آورده و بینشی کسب کرده‌اند. با این حساب نمی‌توان نظرات و افکارشان را نادیده گرفت.

مفاهیم جزئی که در مراحل قبلی حیات داشته‌اند جای خود را به مفاهیم کلی داده‌اند و آنها را در حدود قدرت هضم و تحلیل مسائل را دارند. آنچه مهم است رعایت آزادی‌های تحت کنترل اوست ولی نه بگونه‌ای که احساس خفقان و محدودیت بی‌حساب کنند و وجود والدین را به عنوان مزاحمان زندگی خود به حساب آورند.

<sup>۱</sup>. مستدرک ۲ - ص ۶۲۵

درست است که از لحاظ روانی وضعی تقریباً نامتعادل دارند و نمی‌توانند با پدر و مادر کنار آیند و یا درست است که در برابر مسائل جدید و آنچه را که موافق با میل‌شان نیست حالت عصیان و طغیان دارند ولی وضع به صورتی است که می‌توان با آنها کنار آمد و از فداکاری متکی به احساسات‌شان در طریق سازندگی آنها استفاده کرد.

### تمایلات نوجوان و جوان

به علت رشد ردن و یافتن قدرت همه خواسته‌های دوران کودکی که بگونه‌ای توسط والدین سرکوب می‌شدند اینک زنده شده و سر بر می‌آورند. اظهارنظرها، فرماندهی‌ها، طردورها، ضرب و شتم‌های‌شان اغلب به خاطر تحقق خواسته‌ها، ارضای تمایلات و به کرسی نشاندن سخنان خویش است.

آنچه که تا حدودی این مساله را در آنان تعدیل می‌نماید سپردن مسئولیت کار به آنهاست که هم سبب اشتغال اوقات او می‌شود تا بی‌جهت پدر و مادر را آزار نرساند و هم به سختی و دشواری کار آگاه گردد و دریابد که نباید این همه خواسته‌ها و توقع داشته باشد.

فعالیت‌هایی که به نسل نوجوان سپرده می‌شود باید به صورتی باشد که آنها را زیر نظر پدر و مادر به انجام رساند. اینکه آنان به طور کامل از نفوذ خانواده خارج شوند نوعی

خطاست. می توان از راه امر و نهی های مستقیم و یا غیرمستقیم، تذکر و خیرخواهی دوستی و ایجاد ملاحظات آنان را بر سر مرز قانون و نظام خانواده آورد.

### توجه به نیاز آنان

فرزندان نوجوان و جوان ما همانند خود و یا حتی بیشتر از ما نیازمند هائی دارند و در رفع این نیازها نسیه پذیر نیستند. تا آنجا که امکان دارد و مصلحت ایجاب می کند که در رفع این نیازها باید اقدام کرد.

در این امر نباید دوران زندگی خود را به رخس بکشید و بگوئید مثلاً من موقعی که در سن و سال تو بوده ام یتیم و از غذا و لباس کافی محروم بوده ام. حرف شما درست است ولی او امروز که یتیم نیست. پدری یا مادری چون شما بالای سر دارد و می داند که می توانید خواسته های او را برآورده کنید، و تازه اگر هم امکان برآورده شدن این خواسته ها نیست لاقلاً او را قانع کنید.

بخشی از نیازهای آنان شامل غذا، لباس، مسکن مناسب، تفریح، استراحت، و از این قبیل است که بیش یا کم برآورده می شود. بخشی دیگر که از اهمیت بیشتری برخوردارند عبارتند از احترام، امنیت خاطر، آرامش روان که آن را شما باید تامین کنید به آنها شخصیت بدهید، گرمی شان بدارید و در عوض از آنان کار و مسئولیت بخواهید.

## مهرطلبی آنان

هرگز این تصور را به خود راه ندهید که فرزندان ما بزرگ شده‌اند و دیگر احتیاجی به محبت و مهر پدر و مادر ندارند. نه، چنین نیست، محبت اساسی‌ترین نیاز انسان در همه مراحل حیات است. آدمی هرچند که بزرگ باشد و به هر درجه‌ای که از نظر دسته و مقام برسد از محبت بی‌نیاز نیست.

همه سازندگی‌ها، بازسازی‌ها، مسئولیت‌خواستن‌ها، رشد درونی، تعادل فکری و ذهنی، جلوگیری از انحرافات، در سایه محبت رنگ می‌گیرد و جدا ما معتقدیم آن کس که محبت نبیند به واقع بزرگ نخواهد شد و جنبه‌های سیاسی و اجرائی حتی گفته‌اند قانون بدون محبت لنگ است.

فرزندان ما در این سن گاهگاهی همچنان به قربان و صدقه رفتن نیاز دارند و در مواردی دست گرم پدر و مادر را بر سر و صورت خود احساس کردن. هم چنین تحسین و تشویق آنها به کارهای‌شان، نادیده گرفتن لغزش و خطای آنان خود صورتی از محبت است و آنها را شاداب و مسرور و به زندگی دلگرم و امیدوار می‌سازد.

به همانگونه که افراط محبت موجب پدید آمدن زیانها و خطراتی است کمبود در محبت هم سبب بدبینی، حساسیت، نارضایتی، در مواردی بی‌اشتهائی، و حتی



بیماری‌های روانی خواهد شد. شما تنها قد و قواره آنها را نبینید، روح و دل‌شان را بنگرید که همچنان کوچک و حساس است.

## هدایت نوجوان و جوان

می‌دانیم که طفل با فطرت پاک به دنیا می‌آید و این محیط تربیتی است که او را به ادامه پاکی و عفت وامیدارد یا او را فاسد و آلوده می‌سازد. چه بسیارند صفات و ویژگی‌هایی از طریق فطرت و وراثت به فرزندان ما منتقل می‌شوند و بعدها تحت‌الشعاع تربیت قرار می‌گیرند.

فراموش نکنید که شما فکر نوجوان و جوان را می‌سازید و جهان‌بینی اندیشیده و یا غلطی را به او می‌دهید. شما باید که با نوع هدایت خود سرنوشت او را تعیین می‌کنید، شخصیت او را می‌سازید، خط‌مشی او را در زندگی حال و آینده تعیین می‌کنید، بزهکار یا درست‌کارش بار می‌آورید.

مهمترین نقش خانواده در این مرحله نقش هدایت است و بدیهی است که والدین نخست باید هدایت یافته باشند تا بتوانند فرزندان را هدایت کنند. خود باید فلسفه درستی را برای حیات برگزینند و آنگاه به انتقال آن در فرزند اقدام کنید.

می دانیم که نظام حاکم و غلط گذشته این فرصت را به جوانان ما نداد که در مدرسه و اجتماع درس زندگی بیاموزند و از اهداف و غایات اصیل آن آگاه شوند. زندگی‌ها اغلب در حد خور و خواب و مسکن حیوانی بود و اینک که چنین فرصتی به دست آمده می‌بایست از آن استفاده کرد.

### نقش الگویی والدین

والدین مهمترین مدل و الگوی فرزندان هستند آنچه را که دارند به فرزندان خود منتقل می‌کنند. آنچنان که فرزندان ما از یک دید آئینه تمام نمای وجود ما هستند. اگر در چهره آنان آثار بی‌کفایتی، ترس، اضطراب، بزهکاری پیداست بدان خاطر است که اغلب ما واجد چنین صفاتی هستیم. به همین نظر است که یکی از مربیان بزرگ گفته است «تو اول فرزندت را به من بنما تا بگویم که تو که هستی» اگر خواستار آن هستید که فرزندان پاک، پرهیزکار، نیک اخلاق، نیکوگفتار، فعال، خیرخواه داشته باشید یک راه آن این است که خود اینگونه باشید و تازه معلوم نیست این شرط در عین لازم بودن

کافی هم باشد. پاکی، درستکاری، تعبد، اخلاقی بودن و وظیفه ماست و قطعاً این انجام وظیفه به فرزندان ما نیز مؤثر خواهد بود.

ب: نیاز به محبت

### جلوه‌های مهرطلبی

شما جلوه‌های مهرطلبی و حالت انحصارجویی آن را در کودکان می‌بینید که اگر مقدار آن اندک شود ناز می‌کنند و به پدر و مادر می‌آویزند و اگر مقداری از آن صرف کودک دیگر شود حسادت می‌ورزند. و یا شما در عالم بانوان می‌بینید که حاضر نیستند همسر دیگری برای شوهر باشد و نیمی از محبت او را به خود اختصاص دهید.

در نوجوانان و جوانان هم با همه اشتغالاتی که دارند این مساله وجود دارد و شما جلوه‌های آنان را به صورت تلاشهای پیگیرشان می‌بینید که بدان وسیله می‌خواهند به دلها راه یابند. اینکه نوجوان و جوان شما به خاله و عمه، مادربزرگ و دیگران بیشتر نزدیک می‌شود اغلب بدان خاطر است که آنها بیشتر او را تحویل می‌گیرند و ناز او را بیشتر می‌خرند و بیشتر از او تملق می‌گویند یا گاهی شما آنها را در میان جمع می‌بینید که دست به شیرین کاریهایی می‌زنند، رشته کلام را به دست گرفته و داد

سخن می دهند، از عظمت و قدرت خود صحبت می کنند، گاهی خود را به مظلومی می زنند، زمانی خود را بیمار و قابل ترحم جلوه می دهند و ....

### جدائی های طولانی

پدر و مادر را فرض است که در همه مراحل حیات به خصوص تا پایان هفت سال سوم زندگی اغلب در کنار فرزندان باشند و با معاشرت ها، سخنگوئی ها، پند و اندرز، تماس و برخورد دل شان را به سوی خود معطوف دارند.

متأسفانه گاه به علت ضرورت های شغلی پدر یا مادر از فرزندان رعایت می شوند. فی المثل پدری که دائماً در سفر است و مسافرت های طولانی است این کمبود را برای فرزندان باقی می گذارد که از محبت پدری برخوردار نیستند. ممکن است بگوئید مادر خانه این کمبود را جبران می کند. ولی ما می گوئیم این امر کمتر قابل جبران است و اصولاً بین نوع محبتی که پدر معمول می دارید یا مادر فرق وجود دارد. و وقتی که این دو درهم بیامیزند اثری در حد اعجاز خواهند داشت.

گاهی این احساس کمبود به علت وجود اختلافات و کشمکش بین اعضای خانواده است  
به گونه‌ای که آنها این فرصت را پیدا نمی‌کنند با هم انس و الفتی داشته و مهرورزی‌هایی  
داشته باشند. این امر هم سبب کمبود است و فرزندان جوان ما از آن شدیداً نگرانند.

### مهرورزی به هنگام بازگشت

به هر حال آنکس که به علت جدائی‌های طولانی قادر به دیدار فرزندان، ابراز مهر و  
علاقه به آنان نیست ضروری است امید به اشباع از محبت را در بازگشت از سفر در دل  
فرزندان نگه دارد و آن بدین گونه است که پس از بازگشت در بین خستگی و احیاناً  
ناراحتی حالت گرمی و حساسیت خود را به آنان نشان دهد.

از طرفی که برای ابراز مهر وجود دارد و در اسلام هم زیاد به آن توصیه شده است  
مساله تهیه هدیه برای فرزندان است و این امر پس از سفر خوب امکان‌پذیر است. لازم  
نیست که هدیه‌هایی گرانبها برای فرزندان تهیه شود که مساله عدم امکان مالی مطرح  
گردد، آنچه نشانه مهر و علاقه است نفس هدیه است.

در کودکان محبت پدر از طریق خوردنی‌ها، اسباب‌بازی‌ها، درک می‌کنند و نوجوانان و  
جوانان از طریق پوشاک، وسایل مورد نیاز مثل قلم و دفتر و یا آنچه که موجب تغییر  
چهره و اعلام تشخیص است مثل عینک، ساعت و ... فراموش نکنیم که در همین هدیه

هم اگر نوجوان و جوان بفهمند که ما هنوز آنها را بچه می دانیم بار کسالتشان افزونتر و نگرانی شان دو چندان خواهد شد.

### چهره متبسم

شما برای اینکه نشان دهید به فرزند نوجوان و جوان خود محبت دارید ضروری است که به آنها مهربانی کنید و یکی از جنبه های مهربانی تبسم کردن در برابر آنان است. ما می دانیم که مادر از صبح تا شب کار می کند و بدنی خسته و فرسوده دارد و یا پدر از صبح تا عصر کاری سخت و سنگین، گرفتاری، برخورد و تصادم داشته و اینک که به خانه بر می گردد خسته و کس لاس است. ولی در عین حال ضروری است نوجوان و جوانش را با چهره باز استقبال کند و خندان از او احوال بپرسد. شاید این کار برای او دشوار باشد و جداً لبخندش نیاید ولی برای سازندگی و تربیت نسل وجود آن ضروری است. از نظر روانی پدر و مادر باید محبت کنند بدون اینکه انتظار محبت یا عکس العمل مشابه داشته باشند. البته در تربیت فرزند از دوران کودکی باید پایه ای گزارد که او طبیعتاً به دنبال احترام والدین، محبت به آنها، دلجوئی از آنها باشد. حتی احوال او را بپرسد و برای خستگیهایش متأثر باشد.

### عکس العمل در خشونت

برخی از پدران به خاطر رنجی که از کار روزانه متحمل شده‌اند به خود حق می‌دهند که فعلاً در خانه به استراحت پرداخته و انجام کارهای ضروری را به فرزندان بسپارند، مثلاً آنها را برای خرید نان، تهیه غذا، مایحتاج زندگی به بیرون بفرستند. و یا از شدت خستگی و ناراحتی مساله‌ای را که با زبان خوش و نرم قابل حل است با امر و نهی‌های خشونت بار می‌خواهند حل کنند.

در چنین مواردی معمولاً با عکس‌العمل‌های نادرستی مواجه خواهید شد. درست است که فرزند شما کار تولیدی و سازنده‌ای نداشته، ولی آنچنان هم نبود که بیکار و در حال استراحت باشد و منتظر امر و نهی و ارجاع کار از جانب شما بماند. او هم از صبح تا حال نیرویش را صرف دیدن، فوتبال بازی کردن، جست و خیزهای بی‌هدف، شوخی‌ها کرده است و اینک از شما خسته‌تر است!!

البته ضروری است شما از قبل او را رسمیت دهید، بزرگش بشمارید، به او تفاهم کنید که بخشی از مسئولیتهای زندگی را بر عهده گیرد، مثلاً خرید نان و ماست و مایحتاج زندگی به عهده او باشد و فعالیتش بر اساس این مسئولیت‌ها باشد. در عین حال این مساله را هم فراموش نکنید که به خود واگذارن جوان، خودداری از امر و نهی،

نسپردن مسئولیت به او، خود نوعی متارکه است و ممکن است موجب اختلالات عاطفی

گردد و زندگی را بر او فلج سازد.

### چند نکته مهم

در خاتمه توجه شما را به چند نکته مهم در این زمینه معطوف می‌داریم.

۱- محبت عامل اساسی سلامت تن و نشاط روان و آزادی فکر است از آن غفلت

ننمائیم.

۲- خواستاری محبت تا پایان عمر با انسان هست فقط صورتها و جلوه‌های آن عوض

می‌شود.

۳- از طریق محبت بیشتر و بهتر می‌توان به سازندگی پرداخت تا خشونت و بی‌مهری.

۴- تعریف افراطی از جوان در حضور جوان دیگر نوعی بی‌توجهی نسبت به او تلقی

می‌شود.

۵- مهربانی واقعی نسبت به آنها در گرو به حساب آوردن آنها و دوری از خودخواهی

است.

۶- همفکری و همراهی با نوجوان و جوان از طریق محبت به آنهاست.



۷- با فرزندان نوجوان و جوان خود مأنوس شوید، با آنها معاشرت کنید، از آنها نظر بخواهید.

۸- دردمندی‌های آنان را به حساب آورید و آنها را دلجوئی کنید.<sup>۱</sup>

### بخش چهارم: نقش پدر

امام علی بن حسین (ع) می‌فرمایند:

«حق فرزندان به تو، این است که بدانی وجود او از تو است و نیک و بدهای او در این دو دنیا وابسته به تو است. بدانی که در حکومت پدری و سرپرستی او، مواخذه و مسئولی، موظفی فرزندان را با آداب و اخلاق پسندیده پرورش دهی، او را به خداوند بزرگ راهنمایی کنی و در اطاعت و بندگی پروردگار یاریش نمایی. به رفتار خود در تربیت فرزندان توجه کنی. پدری باشی که به مسئولیت خود آگاه است. می‌داند اگر نسبت به فرزند خود نیکی نماید در پیشگاه خداوند اجر و پاداش دارد و اگر درباره او بدی کند، مستحق مجازات و کیفر خواهد بود.»

<sup>۱</sup> . خانواده و مسائل نوجوان و جوان نوشته دکتر علی قائمی

در این بخش ما در مورد موارد زیر بحث خواهیم کرد:

۱- اخلاق پدر

۲- بیگانگی با فرزندان

۳- نزاع در خانه

۱- اخلاق پدر

اخلاق پدر در گرم کردن کانون خانواده، در ایجاد امید یا یأس در دل فرزندان نقش فوق‌العاده ایفا می‌کند. بازار تعلیم و تعلم بین پدر و فرزندان بسیار گرم است. اگرچه پدر به زبان درسی به آنان نیاموزد و یا به آنان حرفی نزند حکومت اخلاقی پدر باعث آن می‌شود که فرزندان وارث میراثی ارزنده و یا تأسف‌انگیز گردند.

فرزندان ما درباره اخلاق ما در خانه قضاوت می‌کنند، رفتار ما را با رفتار دیگر پدرانی که دیده و یا وصف آنها را شنیده‌اند مورد مقایسه قرار می‌دهند. او را مردی بی‌عرضه یا باعرضه، خوش اخلاق و یا بداخلاق معرفی می‌نمایند.

پسرخاله می‌خواهد پدرش یک قهرمان باشد، قهرمان در قدرت، در کار و تلاش، در اخلاق و رفتار. از او درس زندگی بیاموزد و یا نقطه‌های مثبت او را به عنوان درس به دیگران معرفی کند.

دخترخاله می‌خواهد پدرش در عین قدرت با او صمیمی باشد، زبان خوش با او به کار برد، او را درک کند و برای او مایه بگذارد، و از اینجاست که آنان آرزو دارند پدران رفتار خود را تحت کنترل قرار دهند و از رفتار نادرست دست بردارند.

### الف: همدمی با فرزندان

فرزندان شما هرچند در محیط خارج از خانه با مردم دوستی و معاشرت داشته باشند، هر قدر که در مدرسه و محیط بیرون با مردم و با بچه‌ها بازی و دوستی داشته بازهم سهم خود را در معاشرت با پدر طلبکارند. آنها نیاز دارند با پدر خود صحبت کنند، حرف بزنند، درددل بگویند چیز بیاموزند.

پدر باید شبانه‌روز لاقط ساعتی را برای فرزندان خود فارغ بگذارد. در آن ساعت همه رنجها و غمهایش را فراموش کند، حساب همه طلبکاری‌ها و بدهکاری‌ها، ترفیعات و عقب‌ماندگی‌ها را کنار بگذارد. فقط با خانواده و فرزندان باشد. با آنها حرف بزند، از مسائل آنها آگاه شود، از جریاناتی که در خانواده و بیرون است آگاه گردد.

این همدمی در رابطه پدر با دختران ضروری‌تر است از آن بابت که آنها در محرومیت بیشتری از روابط اجتماعی هستند به رابطه انس و الفت با پدر به دلایل متعددی نیاز بیشتری دارند. چه بسیارند مسائل و مشکلاتی که در سایه این همدمی حل می‌شوند و

چه بسیارند انحرافات که بر اثر این الفت از میان رفته و یا از وقوعشان جلوگیری می‌گردد.

### در برابر حرف حق

برخی از پدران خود خواهند، آنچنان که نمی‌خواهند هرگز خود را محکوم به حساب آورند. اصرار بر این دارند که حرف آن‌ها و نظرشان حاکم باشد. اگر سخن حقی از فرزندان خویش بشنوند آن را به هیچ می‌انگارند. این شکوه‌ای است که چند تن از فرزندان داشته‌اند. پذیرش حرف حق از فرزندان نه تنها شخصیت پدر را خرد نمی‌کند بلکه به او شخصیت و حیثیت می‌بخشد. باعث این می‌شود که فرزندان به او اعتماد کنند و او را عادل و حق طلب بشناسند و این امر موجب جلب احترام فرزندان نسبت به آنهاست. ضمناً فرزندان هم در این رابطه احساس شخصیت و عظمت می‌کنند در می‌یابند کسی هستند و می‌توانند در مسائل و امور صاحب‌نظر باشند.

### اما سخنی هم با شما

۱- گاهی به پدرتان هم حق دهید که این چنین باشد چون بالاخره او هم انسان است. در برابر فشارها و ناملایمات زندگی همه گاه نمی‌تواند مقاومت کند. به هنگامی که فشار از حد بگذرد زمینه انفجار خود بخود پدید خواهد آمد.

۲- من به شما اطمینان می‌دهم که هیچ پدری، هرچند هم که جنایتکار باشد، بد و

رنج فرزندان را نمی‌خواهد و قصد دشمنی با آنان را ندارد. حداکثر این است که

بگوئیم او اشتباه می‌کند، و اشتباه قابل بخشش است.

۳- اگر پدر بداخلاق و عصبانی است شما می‌توانید با ملایمت او را سرحال آورید. با

مزاح‌های مناسب عقده دل او را بگشائید و او را شاداب و مسرور سازید. این امر از

نظر اسلامی برای شما نوعی عبادت هم محسوب خواهد شد.

۴- شما فکر نکنید که پدر شما چون شما جوان و پرانرژی است و حتماً باید تاب

تحمل مرارتها را داشته باشد. بر پدران خود بدان مناسبت که عمری را در راه

نگهداری شما صرف کرده‌اند ببخشید.

۵- احترام به پدر و رعایت حال او در اسلام بر همه شماها واجب است اگرچه پدرتان

کافر باشد.

ب: بیگانگی با فرزندان

۱- جوش کار و تلاش

چه بسیارند کسانی که همه هم و غصه خود را صرف کاری درآمدزا می‌کنند. از بام تا

شام سرگرم کارند. صبح‌ها پیش از آنکه با چهره فرزندان آشنا شوند از خانه بدر می‌روند

و شامگاهان دیروقت به خانه بر می گردند و تازه پس از بازگشت مجدداً به ادامه کار، به حسابرسی به تهیه مقدمات کار فردا می پردازند.

آری، برخی از پدران جوش کسب درآمد دارند، تمام وقت خود را صرف بدست آوردن پول می کنند. تنها بدین دلخوشند که صفری بر میزان موجودی شان اضافه شده است. و از بس در این راه جوش و خروش دارند فرصت پیدا نمی کنند که شب هنگام با زن و فرزندان خویش بنشینند و کمی صحبت کنند. و یا گاهی از صحبت طفره می روند از آن بابت که مبادا بی حوصلگی شان سبب درگیری شود. در جمع، می توان گفت: آن پدری که وقت ندارد به بچه هایش برسد، فرصت مصاحبت و همدمی با آنان را ندارد پدر بدی است، باید خود را اصلاح کند.

## ۲- سر در لاک خود

گاهی بیگانگی با فرزندان و با خانواده حاکی از بی علاقی به زندگی است. او احساس می کند خانواده اش با او شریک درد نیست. او را آنچنان که باید نشناخته اند و یا او را شناخته اند ولی اشتباه شناخته اند. عدم تفاهم ها، گرم نبودن کانون خانواده برای جلب و جذب، پرتوقعی ها و ... سبب آن می شوند که او در خانه سر در لاک خود داشته باشد و به فکر خویش باشد.

من این جنبه‌ها را نفی نمی‌کنم و به آنهایی که چنین جوی را در خانه پدید می‌آورند حق نمی‌دهم. ولی معتقدم بازهم تقصیر به عهده پدر است زیرا اول او در وجود چنین وضع نابسامان کوتاهی‌هایی داشته و دارد. ثانیاً مرد باید قدرت تحمل بیشتری داشته باشد. کوتاهی‌ها و نابسامانی‌ها را او باید اصلاح کند اوست که باید پایه‌های تربیت و اخلاق را در اثر وقت‌گذاری بگونه‌ای بگذارد که در آن تفاهم باشد. خدمت متقابل باشد، حکومت عاطفه و انسانیت باشد.

مرد در خانه باید پدری خوب و قابل اعتماد باشد. به علائق و خواسته‌های فرزند خود توجه کند. با پسر و دختر جوانش در حد شخصیت آنها رفتار کند.

### ج: نزاع در خانه

#### ۱. خانه جهنمی

چه بسیارند شوهرانی که با همسر خود تفاهمی ندارند و روز و شب با هم در برخورد و نزاعند، آنهم بر سر مسائل جزئی و کم‌اهمیت. و در چنین صورتی زندگی را نه تنها بر خود، بلکه بر فرزندان خود تلخ کرده، حس بدبینی، ایجاد عقده و حتی انتقام را در فرزندان خود بر می‌انگیزند.

خانه‌ای که فرزندان، والدین خود را در آن دچار آشفتگی می‌بینند خانه‌ای جهنمی است. آنها نمی‌دانند به کدامیک حق بدهند.

از نظر روان‌شناسان و روانکاوان ریشه بسیاری از مشکلات، انحرافات و کجرویهای نوجوانان و جوانان، حتی در مراحل پس از ازدواج و دوران بزرگسالی را باید از دوران کودکی و متأثر از روش والدین در زندگی خانوادگی دانست.

## ۲. سعادت‌مندی کانون

معمولاً رفتار پدر خط مشی زندگی خانواده را معین می‌کند. رفتارش نسبت به همسر به دیگر اعضای خانواده هشداردهنده است که او کیست، چه موضعی در برابرش باید اتخاذ نمود. معمولاً او پیش از اینکه پدر خوبی برای فرزندانش باشد ضروری است شوهر خوبی برای همسرش باشد، نوجوانان و جوانان ما از طریق ایفای نقش همسری او درباره نقش پدریش داوری می‌کنند.

به هنگامی که بین پدر و مادر صمیمیت و صفا نیست فرزندان لذت و آسایش خود را از منبع دیگری باید جستجو کنند و در این جستجوهاست که گاهی مفاسد عظیم پدید می‌آید.

## ۳. گریز از خانه



نوجوان و جوان به سائقه سن و طبیعت خود از چنین محیطی متنفرند. به مناسبت غلبه احساس و هیجان، شتابزدگی و تصمیم‌گیری‌ها عدم این امکان که به پدر و مادر بگویند با هم دعوا نکنید، با هم مهربان باشید راهی را در پیش می‌گیرند که برای‌شان اغلب نامناسب و خطرآفرین است.

می‌دانیم که دوران بلوغ دوران درهمی و حالات ماجراجوئی است و از سوی دیگر سن استقلال‌طلبی است و درگیری‌های والدین بهانه خوبی برای گریز از خانه می‌باشد.

#### ۴. آثار بد خشونت‌ها

پدری که در رفتار خانوادگی بدخو و خشن است، با فحش و کتک او را تحقیر و تخطئه می‌کند، یا با سخنان جلف و ناروا او را سبک‌سر و بی‌معنی معرفی می‌کند و به حقیقت بت قابل ستایش فرزندش را شکسته است و او را در اجتماع بی‌کس و تنها گذارده است. پدری که برای حفظ سیادت خود سر و صدا راه می‌اندازد و از زور و قدرت خود علیه همسر بینوایش سوء استفاده می‌کند درس بدی به فرزندان خود داده است. دیگر نمی‌توان از او انتظار خیر و نیکی داشت.<sup>۱</sup>

#### بخش پنجم: نقش مادر

<sup>۱</sup>. خانواده و مسائل نوجوان و جوان - دکتر علی قائمی - ص ۵۰

در این بخش ما موارد زیر را مورد بحث قرار خواهیم داد:

۱- اخلاق مادر

۲- مادر و رازهای فرزندان

۳- جنبه‌های مذهبی مادر

الف: اخلاق مادر

۱. مادر و اخلاق اسلامی

بر ما ضروری است که به عنوان یک مسلمان کنترل زبان خود را داشته باشیم، راه و روش ما بگونه‌ای باشد که دیگران را بسازد و آنها را به سوی هدف جهت دهد. به خصوص مادر که سازنده بنای اخلاق و انسانیت فرزند است. رعایت اخلاق اسلامی برای همه زیبنده است و برای مادر زیبنده‌تر.

اخلاق اسلامی ایجاب می‌کند که مادر، مهرورز نسبت به فرزند، خیرخواه او، پناهگاهش، درمان کننده دردش باشد. برای خود کنترلی قائل باشد، و این کنترل در رفتار او، در گفتار و خطمشی‌اش هویدا باشد. عبادت مادر، رابطه با خدا، فکر و ذکرش، قید و شرطش همه و همه آموزنده و ممکن است سازنده یا ویرانگر باشد. بی‌بند و باری مادر در رفتار، بی‌توجهی‌ها او به سخنان و به برخوردها اثرات بدی در فرزندان می‌گذارد، به

خصوص در نوجوان و جوان که شدیداً خواستار جنبه حق جوئی، دین خواهی و عدالت هستند. سن جوان و سن بلوغ سن شک و تردید است، تردید در همه امور، از جمله در امور مذهبی و عقیدتی، بی توجهی مادر به این امر ممکن است موجب بدآموزی ها و بدرفتاری هائی باشد.

## ۲. حوصله مادر

معنی مادری توام با معنی صبر و حوصله است. اگر حوصله مادر نباشد کودک هرگز بزرگ نخواهد شد و غنچه جوانی هرگز شکوفا نخواهد شد. اوست که رنجهای زائیده از کودک را متحمل می شود و با آرامش و سکون تمام با عشق مادری مزاحمتهای فرزند را می پذیرد.

این خطاست که مادری در برابر لغزش فرزند و یا در برابر سئوالاتش بی حوصلگی سر دهد و در برابر اعتراضش بگوید خفه شو. مادری این چنین بی حوصله و بی تحمل بهتر است که اصولاً سخنی نگوید و با سکوت خود از کنار مسائل بگذرد. اگر به راستی قدرت شنیدن حرف فرزند را ندارید لاقلاً در برابرش سکوت کنید و یا صحنه را ترک کنید.

سراسر وجود نوجوان و جوان احساس است، سراسر شور است و خوشبینی. او بر اساس دنیای زیبایی که مادرش برای او تصویر می کند و ارائه می دهد آینده اش را می سازد، بدان خوش بین یا بدبین می شود. همین انعکاسات را درباره دیگران پیاده می کند و شما مسئول چنین عواقبی هستید.

### ۳. مادر و رازهای فرزندان

#### الف: مادر بهترین رازدار

فرزندان ما بر اساس تشخیص و به همان گونه که مصلحت ایجاب می کند مادر خود را بعنوان بهترین رازدار خود بر می گزینند، حرفها و سخنان خود را با او در میان می نهند و با اصرار و سماجت خود می گویند که آنها را با دیگران در میان نهند. بدیهی است که مادران هم چنین قولهایی را به فرزندان خود می دهند و باید هم بدهند. و خوشبختانه همین امر عامل کنترل خوبی برای رفتار آنهاست. زیرا مادران زیرک آن را مترسکی برای بچه قرار می دهند و هر آنگاه که بخواهد لغزشی و خطائی را مرتکب شود فوراً راز او را به رخس می کشند و به او می گویند که آن را برملا خواهند کرد. طفلک بیچاره از ترس آن ناگزیر می شود تسلیم رأی و نظر مادر شود و به آنچه او دستور می دهد خو گیرد و عادت کند.

آنچه مهم است رازداری مادر است و اگر فرزند ببیند که در این زمینه مادر تخلف کرده است خود او هم تخلف خواهد نمود.

سبک‌دلی‌های مادر سبب بی‌اعتمادی آنها و کشانده شدن بسوی کارهای مخفی و انجام عملیات آب زیرکاهی خواهد شد.

## ۲. چند نکته مهم

۱- ایجاد زمینه‌ای که در سایه آن فرزند بتواند حرفش را بزند، اصلی ضروری برای رازگوئی است.

۲- سعی کنید خود را بعنوان فردی دوستدار و خیرخواه برای فرزند معرفی کنید نه انتقام‌گیر و سرزنش کننده.

۳- اگر فرزند شما در مسیری لغزشی را ناآگاهانه مرتکب شد او را سرزنش نکنید.

۴- خطا هر چند بزرگ باشد اگر ناآگاهانه است او را تنبیه نکنید.

۵- با همسر خود ت فاهم کنید تا در شنیدن اسرار از کوره در نرود فقط به راه حل بپردازد.

۶- به فرزند تفهیم کنید هر سخنی را در نزد هر کسی نگوید و بداند که پدر و مادر بهترین غمخوارند.

۷- در مسائل غیر مهم اگر احساس کردید فرزند شما از بیان اسرارش نزد دیگران ناراضی است آن را بیان نکنید.

۸- در همه حال اصل را بر حفظ سعادت فرزند بر مبنای ضوابط شرعی بگذارید نه ضوابط شخصی خودتان.

ج: جنبه‌های مذهبی مادر

۱. مادر و مذهب

می‌دانیم که همه چیز خوب این عالم به وجود مادر قائم است و اگر آنها مراقبتهای لازم را در امور نداشته باشند و آنچه را که مورد تایید است انجام ندهند جهان جای زندگی نخواهد بود. وجود ملکات فاضله چون خویشن‌داری، بردباری، عفاف و قناعت، پاکدامنی برای همه ضروری و زیبنده است و برای مادر زیبنده‌تر و ارزش آن به هنگامی است که از متن مکتب و مذهب برآید.

روح خلوص و خضوع مادر در عبادت، شب زنده‌داری‌ها و دعاهايش، خشوع و تذلل او در حضور خداوند، چه اثرات نیکوئی در دل فرزند، به خصوص نسل جوان می‌گذارد و تا چه حدودی پستی‌ها، بداندیشی‌ها و کج‌روی‌های او را سد می‌کند.

از سوی دیگر کار مادری وظیفه‌ای سنگین و دشوار است و جز در سایه وابستگی به قدرتی بزرگ و بی‌نهایت نمی‌تواند به خوبی از عهده انجام وظیفه‌اش برآید. اعتقاد مذهبی او، عبادت او خود زمینه‌ای را برای وابستگی او به قدرت فوق‌العاده توانا فراهم آورده و او را در انجام وظیفه‌اش کوشا می‌سازد.

## ۲. نیاز به ایمان

ایمان برای نوجوان چون ستونی است که او را از افتادن، مغلوب شدن، سقوط کردن، دور نگه می‌دارد. در سایه آن مسائل نوجوان زودتر حل می‌شود، اضطرابات ناشیه از تحمل نابسامانی‌ها زودتر و آسان‌تر دفع می‌گردد و او از مقهوریت و درماندگی نجات می‌یابد.

دوران نوجوانی و بلوغ دوران بروز و ظهور علائق ایمانی است. در عین حال دوره‌ای است پر از شک و تردید فرزندان.

در پایان این مرحله یا رومی روم می‌شوند یا زنگی مست. این امر بستگی به وضع و موضع آن در خانه و محیط خارج، وضع زندگی، نوع برخورد او با مسائل و مشکلات دارد.

او برای اینکه از هر انحرافی دور بماند، آرامش و امنیت فکرش تامین شود، ناچار است از ایمانی قوی برخوردار باشد. خداترسی واقعی عامل خوبی برای دوری او از گناه و کنترل ارزنده‌ای برای حفظ او از خطر است.

این ایمان باید در خانه و اجتماع رنگ گیرد و ذهن و شعورش از طریق دیدن و شنیدن رنگ گیرد و این امر برای همیشه در او جاودانه می‌ماند. امام حسن (ع) می‌فرمودند: «من مادرم را به یاد می‌آورم که شبها در محراب عبادت بود و همه شب را به دعای دیگران می‌گذراند. وقتی پرسیدم مادر، چرا مرا دعا نمی‌کنی؟ فرمود فرزندم: اول همسایه، بعد خانه.

منظور این است که آموخته‌ها از مادر می‌تواند درس زندگی برای فرزندان باشد. اگر آموخته‌ها نیکو باشد حاصل آن نیکو اگر ناصواب باشد حاصل آن ناصواب است.

### ج: کنترل روابط

به تدریج که فرزندان ما رشد می‌کنند و بزرگتر می‌شوند مسئولیت ما بیشتر و اعمال کنترل در روابط پدر و مادر ضروریتر می‌شود. ریشه بسیاری از انحطاط‌هایی که در جوامع رخ می‌نمایند از خانواده است. مادر نباید حساب کند که با فرزندان خود مأنوس است و آنچه در برابر دیدگانش انجام می‌گیرد امری عادی است، نه، مساله به



صورت دیگری است. چه بسیارند که بی توجهی ها، عدم آگاهی ها در این زمینه سبب آن شود که فرزندان ما از جاده فضیلت عفاف منحرف شوند و به جایی کشانده شوند که مورد نفرت ماست.

هرگز در حضور پسران جوان خود آرایش نکنید، بدون جوراب راه نروید، با شوهرتان طعنه و کنایه ای نداشته باشید، هم چنین عادت دهید که دختران جوان شما هم مراقبت هائی در جهت حفظ عفاف داشته باشند. این مسائل جزء تعلیمات مذهب ماست. رعایت آن به خیر و صلاح ما و فرزندان ما است.

#### ۴: در برابر عبادت فرزندان

در این سنین ایمان فرزندان ما ظهور و بروز می کند حس مذهبی در آنان متجلی می شود، آنها به مانند دیگر عابدان و مذهبیون می کوشند نماز بخوانند، روزه بگیرند، خیرات کنند و قرآن بخوانند، کتب مذهبی مطالعه نمایند و ...

این خطاست که مادری روح عبادت و بندگی را در آنان تخطئه کند. بلوغ مذهبی برای دختر آغاز سن ده و برای پسرها سن ۱۵ سالگی است ولی در دستورات مذهبی ما آمده است که آنان زودتر از این سن باید به نماز و عبادت بایستند. و حتی ترک عبادات باید موجب سرزنش و تعزیر گردد.

با این حساب مادری که به فرزند نوجوانش که به نماز ایستاده می‌گوید تو هنوز سنی نداری که نماز بخوانی اشتباه می‌کند. و یا آنکس که فرزندش را از عبادتی چون روزه تنها بدان خاطر که او تحمل ندارد باز می‌دارد خطاکار است. شما به عنوان مادر وظیفه دارید فرزندان خود را خداپرست و صحیح‌العمل تربیت کنید و حس مسئولیت را در او قوی سازید او را متکی به خود بر اساس رحمت الهی بسازید و این کار در دوران کودکی باید آغاز و در دوران نوجوانی تکمیل گردد.<sup>۱</sup>

#### بخش ششم: احساس نابسامانی در خانواده

در این بخش ما عناوین زیر را تحت بررسی قرار خواهیم داد:

۱- تبعیض در خانه

۲- تحقیر در خانه

۳- آزادی فرزندان در خانه

۴- احترام والدین

الف: تبعیض در خانه

<sup>۱</sup>. خانواده و مسائل نوجوان و جوان - دکتر علی قائمی - ص ۱۳۵

از مسائل مهمی که در برخی از خانواده‌ها وجود دارد و منشاء بسیاری از درگیری‌ها و نابسامانی‌هاست مسأله تبعیض است. شما ریشه بسیاری از اختلافات و درگیری‌های بین فرزندان را بررسی کنید. اغلب به این نتیجه می‌رسید که در این اختلافات پای شما هم در میان است. بی‌توجهی شما در توزیع محبت، بی‌عدالتی شما در اجرای مقررات سبب ایجاد عقده بدبینی برادر و خواهر نسبت به هم شده است.

این امر در بین فرزندان نوجوان و جوان ما بگونه‌ای محسوس‌تر به چشم می‌خورد از آن بابت که جوان شیفته عدالت و خواستار برابری و مساوات است، از آن دفاع می‌کند و حتی می‌بیند که در جامعه داد بشردوستی و مساوات می‌زند. او از دیدن بی‌عدالتی شدیداً ناراحت و خشمگین است و نسبت به آنها که ستمکارند احساس نفرت و انزجار دارد.

فرزندان ما گاهی در خانه خود که می‌بایست مرکز امنیت و فراغ باشد نابرابری‌هایی را می‌بینند. و طبعاً در برابر آن به شدت می‌ایستند و این خود عاملی برای عصیان آنهاست. او در خانه تبعیض می‌بیند و دشمن و بدخواه کسی می‌شود که او را به این روز افکنده است یعنی برادرش یا خواهرش.

۱. ارجحیت پسر بر دختر

از مسائلی که ریشه قدیمی در جامعه دارد و متأسفانه هنوز در برخی از خانواده‌ها رایج است مساله ارجحیت پسر بر دختر است. برخی از پدران و مادران بر اساس یک تصور جاهلی پسر را بر دختر مقدم داشته و برای او ارجحیتی قائلند. این امر که معمولاً از دید فرزندان ما پنهان نمی‌ماند منشأ یک سری بی‌نظمی‌ها، درگیری‌ها و عقده‌سازی‌ها است.

شاید برخی از والدین نمی‌توانند دریابند فرزندشان از اینکه دختر است تقصیری ندارد، به آنها زور می‌گویند، مورد بی‌اعتنائی قرارشان می‌دهند در صورتی که چنین حقی از نظر اسلام برای آنها نیست. اسلام به عنوان بزرگترین مدافع حقوق دختران می‌گوید:

«شما حق ندارید به آنها بی‌مهری کنید، زور بگوئید، شرمنده و تحقیرشان نمائید و به جانشان آورید.»

در تعبیر اسلامی پسران نعمتند و دختران حسنه، خداوند انسان‌ها را در مور نعمتها مورد بازخواست قرار می‌دهد در حالیکه در برابر حسنات بازخواستی نیست. هم چنین در سنت اسلامی دلجوئی از دختران و پرورش عاطفه در آنها بیشتر باید مورد توجه باشد تا پسران زیرا اینان تربیت‌کنندگان نسل آینده و سازنده جامعه انسانی فردایند.

۲: در آموزش علم

اسلام در اصل تربیت منعی برای دختران در سوادآموزی ندارد. حقی است که پسر و دختر به تناسب وضع و موقعیت و همچنین زمینه‌های مسئولیت آتی باید از آن استفاده کنند. اینکه پدر و مادری همه هم خود را صرف تربیت پسران کنند و دختران را فراموش نمایند نوعی بی‌توجهی و بی‌مهری به وظایف والدینی است.

### ج: مساله کار در خانه

شک نیست که کارهای پسران و دختران در خانه متفاوت است ولی آنچه‌ای نیست که دختر خود را کلفت خانه به حساب آورده و پسر خود را آقای خانه. والدین باید مراقب باشند که هر کدام آنها در چارچوب وظایفی خویشان را مسئول بدانند و در برابر مسئولیت‌شان مورد بازخواست قرار گیرند.

اینکه دختران را به کار بگماریم و پسران آزاد باشند خود موجب پدید آمدن عقده و حسادت، احساس بدبینی به جنس خود و سبب پدید آمدن نگرانی‌ها و آشفتگی‌هاست. می‌دانید که در این سن بدگمانی در آنها به درجه‌ای شدید وجود دارد. این گونه تحمیل‌ها از سوی والدین برای آنها برانگیزنده گمان بیگانگی است و فکر می‌کنند شما آنها را دوست ندارید.

### ۴: مراقبت‌ها در ابراز عواطف

شخصیت فرزندان ما در جریان عمل متقابل با رابطه متقابل با والدین شکل می‌گیرد و نوع عکس‌العمل‌ها و رفتارها در او مؤثر است. که در این مورد ذکر چند نکته ضروری است:

- توقعات فرزندان‌تان را در رعایت عدالت و مساوات نسبت به فرزندان از یاد نبرید.
- فراموش نکنید که آنها می‌خواهند ما دائماً از احوال آنان بپرسیم، برای‌شان فکر کنیم، در طریق حمایت آنها باشیم.
- فرزندان ما در سنین نوجوانی و جوانی فشارها و تحمیلات بسیار را نمی‌توانند تحمل کنند. شرایط زندگی را برای آنها مساعد سازید.
- غرور فرزندان شما به آنها اجازه نمی‌دهد که بی‌عدالتی‌های شما را به شما بازگو کنند. او حتی از تبعیضی که در ابراز محبت نسبت به او و فرزندان خردسال خود روا میدارید ناراحت است.
- و بالاخره ناآگاهی بلای بزرگی است. اگر به فرزندى بیش از او محبت روا می‌کنید لاف‌اقل او را حالی کنید که به دلائلی نیاز بیشتری به کمک و محبت شما دارد تا او آن را برای خود تبعیضی نپندارد.

ب: تحقیر در خانه

### ۱: جوان و مساله تحقیر

در عین حال ذکر این نکته ضروری است که از ضروریات زندگی نوجوان و جوان احساس سرفرازی است. آنها معمولاً دوست دارند سر و گردنی فراتر از دیگران داشته و بالاتر از آنچه که هستند درباره‌شان داوری و عمل شود. و بدیهی است که این احساس با امر تحقیر سازگار نیست.

منظور ما از تحقیر، کوچک کردن و پائین آوردن ارزش یک شخص است که به صورت مختلف قابل عمل است. گاهی به صورت بی‌اعتنائی، زمانی به صورت دلکک درآوردن و وسیله خنده قرار دادن، گاهی به صورت ناچیز شمردن یا به حساب نیاوردن شخص ممکن است خود را بنمایاند.

ولی آنچه مطرح است این است که زیان تحقیر بیش از نفع آن است. آنها که بسیار تحقیر شوند به تدریج بدان خو گرفته و احساس بی‌لیاقتی می‌کنند. یا برای اقامه دلایلی جهت نشان دادن وجود جنبه‌های مثبتی در شخصیت به مسائل پوچی چون لاف و گزاف متوسل می‌شوند.

### ۲: انتقادپذیری از فرزندان

ما ناگزیریم که به فرزندان خود بیاموزیم که انتقادات سازنده را بپذیرند و بهترین درس عملی در این زمینه درس انتقادپذیری والدین است. هرگز نباید گفت فرزندان ما جوانند و درک ندارند. یا تجربه آنها اندک است و نمی‌توانند نظر بدهند. اینکه به فرزندان بگوئیم تو هنوز داخل آدم نیستی و نباید به حرف تو گوش فرا داد یک خطای تربیتی است.

از دیدگاه تربیتی اسلام ما موظف به شنیدن سخنها هستیم و می‌کوشیم از بین آنها بهترین را انتخاب کنیم. نقص و نارسائی در خود ما وجود دارد. چه کسی بهتر از فرزند ما که به اشکالات کار ما آگاه است و صمیمانه تذکری خیرخواهانه می‌دهند. وانگهی اگر انتقادش جنبه افشاگری هم داشته باشد باز مقاومت در برابر آن روا نیست. بگذاریم حرف خود را بزند و ما هم با کمال خوشروئی آن را بپذیریم تا برای او درسی باشد.

### ۳: چند نکته

در خاتمه این بحث بی‌مناسبت نمی‌بینیم که توجه پدران و مادران محترم را به چند نکته معطوف داریم.

۱- فکر نکنید فرزندان شما دیگر بزرگ شده و احتیاجی به محبت شما ندارند. نه،

انسان در هر سنی که باشد به محبت نیازمند است و شما می‌توانید این محبت را



در غذا، لباس، پرستاری از او در حین بیماری به او نشان دهید. بی توجهی به آنها در

این موارد از نظر جوانان تحقیر به حساب می آید.

۲- جوانان چه پسر و چه دختر اصولاً در این سن نسبت به زندگی بدبینی هائی دارند.

شما با تحقیرتان آنها را بدبین تر نسازید.

۳- گاهی بیان این عبارت که تو نالایقی و عرضه نداری، جوان را در ادامه راهی که

برای نخستین بار در پیش می گیرد متزلزل می سازد. سعی کنید به جای این

عبارات جمله های سازنده به کار ببرید و به او دل و حرارت بدهید.

۴- از تحقیر هائی که در حین خشم روا می دارید بپرهیزید و سعی کنید بر احساسات

خود غالب شده و لجاج و خودسری را از خود دور سازید.

۵- خواسته های جوان را در صورت امکان به مرحله اجرا بگذارید و اگر چنین نمی کنید

دلایل آن را منطقاً به او گوشزد نمائید.

۶- تحقیری رواست که مایه تنبیه و آگاهی شود نه اینکه بر عصیان و تبهکاری او

بیفزاید.

۷- در موارد فرار از مسئولیت، خودداری از انجام وظیفه می توان در خفا او را مورد

سرزنش قرار داد.

۸- و بالاخره ما فرزندان نوجوان و جوان خود را به خاطر کوتاهی قامت، ضعف مزاج،

زشتی صورت، کم هوشی، بلد نبودن انجام یک امر مورد سرزنش و تحقیر قرار

مدهید.

### ۳: آزادی فرزندان در خانه

#### ۱: جوان و آزادی

جوان به مقتضای سن و طبیعت خود در صدد اثبات شخصیت و نشان دادن خویش

است. او خواستار آزادی است و در طریق وصول به آن می خواهد پیر درآورد، در آسمان

پرواز کند، در بالای قله‌ها برای خود خانه و آشیانه‌ای بسازد، به هر جا که خواست برود،

هر وقت که خواست بیاید و به دنیائی برسد که فراخ است و کرانه آن نامحدود.

تندی او با پدر و مادر، اعلام نظر و بیان اندیشه شخصی، گفتن سخنانی که موجب

رنجش دیگران می شود، وجود تنوع در عمل و اختلاف سلیقه و ... همه و همه حاکی

از آزادی خواهی او هستند و در این راه اگر نومید شود گرفتار افسردگی، بی‌قراری،

مشکل درسی خواهد شد. او دائماً درصدد کسب تجربه بیشتر است تا به آزادی بیشتری

دست یابد و به کشمکش با دیگران و آنها که قدرت را در دست دارند می پردازد تا به

هدف خویش دست پیدا کند.

## ۲: نوع آزادی

ما آن گونه آزادی را برای فرزندان خود می‌پذیریم که در چارچوب ضوابط و مقرراتی باشد، به خاطر انجام وظیفه بر اساس درک حقیقت باشد. باید آن گونه آزادی به نسل نوجوان و جوان داد که عامل سازندگی و سبب رشد و پرورش شخصیت او و عامل اعتلای او باشد نه آنکه او را سقوط دهد و سبب فناى جسم و زوال جنبه‌های او گردد. ما معتقدیم که ضروری است والدین آمد و شدها، کتابهائی که وارد خانه می‌شود، معاشرت و ارتباط فرزندان را هم چنین در سنین نوجوانی تحت مراقبت و کنترل داشته باشند.

## ۳: نکته‌ها در کنترل

اعطای آزادی به فرزند مانع آن نشود که نتوانیم در مواردی جلوی او را بگیریم و راه خطایش را بر او سد کنیم و اشتباهاتش را به او تذکر دهیم. درست است که او به سن بلوغ رسیده ولی واقعیت این است که او هنوز بالغ نیست، نیاز دارد که تدریجاً آزموده شود، سرد و گرم جهان را بیشتر بشناسد و البته امر لازم بود که از دوران خردسالی او آغاز می‌شد تا در سنین بعدی دشواری پیش نیاید.

در عین اعطای آزادی اصل انضباط هم مهم است. زیرا کلاً انسان‌ها نمی‌توانند جز در چارچوب نظم و ضابطه‌ای ادامه حیات دهند. تکیه پدر بر کنترل غیرمستقیم فرزند و وارد شدن از در دوستی و تفاهم است تا او احساس سنگینی نکند، خود را در بند نبیند. و اندرز دادن، موعظه کردن، بیان داستان‌ها، ارائه نمونه‌ها تا حدود زیادی می‌توانند او را وادارند که تن به ضوابط دهد و نظرات خیرخواهانه والدین را پذیرا گردد.

ما معتقدیم کنترل باید باشد ولی دهن‌بینی‌ها کمتر باشد. اینکه بخاطر سخنان بی‌اساس برخی از ناآگاهان فرزندان خود را به قید و بند بکشیم خطاست. به میزان لیاقت و فهم و رشد فرزندان باید آزادشان گذاشت، با نوجوان و جوان باید معامله یک وزیر و مشاور را کرد. و البته در جایی که موجب وارد آمدن زیانی، داخل شدن در گناهی، وارد آمدن لطمه‌ای به شرف خانوادگی مطرح باشد می‌توان جلوی او را گرفت.

غرض ما این است که محدودیت‌ها بی‌حساب نباشد. موجب وارد آمدن لطمه‌ای به شخصیت آنها بشود. زیرا در غیر صورت جوان فکر می‌کند که والدینش به او اعتماد ندارند، یا هنوز او را چون بچه‌ای می‌پندارند، امری که برای او اهانت است و او می‌کوشد با آنان مبارزه کند. در همه حال اتحاد روش لطف و مسالمت را فراموش نکنید.

د: احترام والدین

### ۱: احترام والدین

خوشبختانه در نسل نوجوان و جوان این عقیده وجود دارد که باید به پدر و مادر احترام کرد و در برابر فرمان‌شان مودب بود ولی این امر بدلائیل متعددی عملی نمی‌شود. شاید برخی از والدین قابل قبول نباشند که به آنها بگوئیم از دلایل عملی نکردن آن یکی مسأله خجلت و حیای آنهاست. ولی اگر نیکو بررسی کنید به همین نتیجه خواهید رسید.

آنها در آغاز مراحل حیات خویش هستند. در دنیائی از شرم و حیا غوطه‌ورند. از یکسو پدر و مادر را محرم اسرار خود و خودمانی می‌دانند و از سوی دیگر باب ملاحظاتی فیما بین آنها و والدین وجود دارد که بر اثر آن روی‌شان نمی‌شود به پدر و مادر زیاد نزدیک شوند و حتی با آنها روبوسی کنند.

نوجوان و جوان را باید شناخت و به دل او باید راه یافت. تنها در چنان صورتی است که می‌توان مسائل و مشکلات او را حل کرد و به یاری او پرداخت. اگر پدر و مادر بدانند که در دل او چه خبر است قطعاً به او بیشتر مهر می‌ورزند و در برابر او موضع خصمانه و یا تادیبی نمی‌گیرند.

### ۱: سئوالی در ذهن جوان

گفتیم که نوجوان و جوان قائل به احترام پدر و مادرند ولی برای شان این سؤال مطرح است که کدام پدر یا مادر قابل احترامند؟ واقعیت این است که دنیای شان دنیای قهرمان پرستی است. آنها پدر و مادری را می خواهند که برای شان قهرمان و از هر نظر الگو و نمونه باشد. آنها می خواهند پدر و مادرشان بگونه ای باشند که بتوان آنها را به رخ دیگران کشید. جوان می خواهد از طریق عرضه والدین نمونه اهمیت و عظمت خود را اثبات کند.

بدیهی است که اگر آنان پدر و مادر خود را خطاکار ببینند و یا احساس کنند که آنان رعایت عدالت، حق دوستی را نمی نمایند حرمت شان را نگه نمی دارند و یاموضعگیری های درستی در برابر امور ندارند طبعاً از آن ناراحتند. به خصوص از آن بابت که آنها حساسند و زودرنج، کمترین تبعیض، کمترین انحراف برای آنها غیرقابل تحمل است و احساسات او را جریحه دار می سازد.

گاهی آنها از این امر ناراحتند که والدین نمی توانند آنان را درک کنند و اصالت شان را بشناسند. طبعاً آنها چنین پدر و مادری را قابل احترام نمی دانند.

ج: نیکی به پدر و مادر

اسلام برای پی‌ریزی رابطهٔ صحیح با پدر و مادر به انسان دستور نداده است که لزوماً از آنان اطاعت کند، زیرا اساس رابطه‌ای که پدر و مادر را به فرزند مرتبط می‌سازد مساله احسان والدین به اوست و «احسان» مساله‌ای نیست که شخصیت آدمی را در قبال ارادهٔ آنها درهم بکوبد.

از این رو، پاسخگویی به احسان آنان اقتضاء می‌کند که فرزند نیز به آنان احسان و محبت کنند نه این که لزوماً از آنان فرمان ببرد. به همین خاطر خداوند متعال در این مورد می‌فرماید «و پروردگارت مقرر کرده است که جز او را پرستید و به پدر و مادر نیکی کنید»<sup>۱</sup> یعنی نوع رابطهٔ انسان با خدا، «عبادت و پرستش» را ایجاب می‌کند، چون رابطه‌ای است میان پرورش یافته با پروردگار، بنده با مالک و هستی یافته با سرچشمهٔ هستی و چنین رابطه‌ای اساساً با عبادت و خضوع مناسب است، چه وجود آدمی در واقع بازتاب و انعکاس خواست اوست و از این رو، وجود او نیز باید مطیع ارادهٔ الهی باشد.<sup>۲</sup>

#### ۴: رعایت حرمت فرزندان

<sup>۱</sup> . آیه ۲۳ سوره مبارکه اسراء

<sup>۲</sup> . دریچه‌ای به دنیای جوانان آیت ا... سید محمد حسین فضل ا... ص ۸۰

فرزندتان را احترام کنید. این دستور پیامبر ماست. از موارد احترام یکی این است که آنها را به حساب آورید بخواهید و اصرار موزید که به اصطلاح سرشان را شیره بمالید و کار ناقص خود را حق جلوه دهید.

فراموش نکنید که فرزندان ما در این سنین اهل منطق و استدلالند مسائلی که درویشان وجود دارد سبک و سنگین می کنند و اقل مساله این است که خود را اهل نظر می دانند. این احترام اگر در حضور دیگران انجام شود باعث آن می گردد که آنها شما را چون بتی بپرستند و هرگز در صدد مخالفت با شما برنیایند.<sup>۱</sup>

### بخش هفتم: نکته های مهم در روابط والدین و فرزندان

#### جبران خطای تربیتی

اگر پدران و مادران به خطای تربیتی خود پی نبرند و هرچه زودتر با احترام به شخصیت کودک و ابراز محبت های بجا عقده های درونی اطفال را نگشایند و غرائز و تمایلاتشانرا براه صحیح هدایت نکنند، طولی نمی کشد که به انحراف و کجروی عادت می کنند و آن کارهای نادرست و بچه گانه را با شدت بیشتری در دوران جوانی و گاهی تا پایان عمر مرتکب می شوند.

<sup>۱</sup>. خانواده و مسائل نوجوان و جوان - دکتر علی قائمی



بعضی از کودکان که مورد بی‌اعتنائی پدر و مادر هستند احساس می‌کنند که اگر تقاضای مشروعی داشته باشند و بطور عادی درخواست نمایند کسی به آنها اعتنا نمی‌کند و حاجتشان برآورده نمی‌شود. برای آنکه به مقصد برسند و ضمناً شخصیت خویش را به اثبات برسانند متوسل به زور می‌شوند، فریاد می‌کنند، خود را به زمین می‌کوبند، شیشه را می‌شکنند، محیط رعب و وحشت بوجود می‌آورند، و خلاصه از راه خرابکاری و آسیب رساندن به این و آن به مقصد می‌رسند.

### وظیفه والدین

در چنین مواردی وظیفه پدر و مادر این است که از طرفی به شخصیت کودک و تحنیات او توجه نمایند و هر وقت درخواست صحیح و بجائی دارد عملی نمایند و به وی مجال خرابکاری ندهند و از طرف دیگر به او بفهمانند که این اعمال ناپسندیده، راه پیروزی و موفقیت نیست.

### توقف رشد عقلی

اگر طفل والدین دانا و فهمیده داشته باشد، به وی حالی خواهند کرد که با این طریقه بچه‌گانه با موضوع روبرو نشود، ولی اگر والدین دانا و فهمیده نباشند و هر بار با وسائل غلط، حالت عدم اعتماد را در وی بیدارتر کنند رفته رفته این روش کودکانه در دماغ

وی ثابت تر گشته و بدین ترتیب جلوی ترقی فکر کودک برای حل مسائل گرفته می‌شود و در نتیجه رشد و نمو عقلی وی متوقل می‌گردد» «اگر طفل با این روش پرورش یابد ممکن است در جوانی و حتی در سن چهل سالگی برای رسیدن به آنچه که می‌خواهد از راه غضب و عصبانیت و زدن زن و بچه و یا فحش دادن به زیردستان اقدام کند، اگر چنین فردی وارد سیاست باشد، بجای آنکه سعی کند راههای منطقی برای موفقیت خود بدست آورد می‌خواهد مخالفین خود را با خشونت‌ترین طرق، از بین ببرد.<sup>۱</sup>

بعضی از کودکان محروم از تکریم و احترام، برای آنکه توجه اشخاص را به خود جلب کنند و شخصیت خویش را به دیگران بنمایانند، افراد را به باد مسخره می‌گیرند، مانند آنها حرف می‌زنند و مثل آنها راه می‌روند تا بدینوسیله مردم را بخندانند و از این راه، حقارت باطنی خود را جبران کنند و مورد توجه مردم قرار گیرند. چه بسا کودکانی که از این راه ناصحیح، موفقیتی به دست آورده و کم و بیش توجه مردم را به خود جلب کرده است.<sup>۲</sup>

### آسیبهای روحی

<sup>۱</sup> . عقل کامل - ص ۲۳

<sup>۲</sup> . جوان از نظر عقل و احساسات - هیئت نشر معارف اسلامی - ص ۲۸۳

«اگر خوب فکر کنید می‌فهمید که علت بعضی از افکار و اعمال شما روان ناآگاه شماست، و در حقیقت شما نمی‌دانید که چرا دارای این افکار هستید و چرا آن اعمال از شما سر می‌زند زیرا عقل و اراده شما هیچ دخالتی در آنها ندارد. این افکار و اعمال نتیجه آسیبهای کوچک و ناچیزی است که در کودکی به ذهن و روح شما وارد شده است، مانند پیش آمدها و خاطرات ناگوار که در آن هنگام روح حساس شما را سخت متأثر کرده است، مثلاً محرومیت از محبت و توجه اطرافیان، دیدن مناظر وحشت‌انگیز، مورد آزار و اذیت دیگران واقع شدن و غیره اگر شما به منشأ و علت این افکار و رفتار خود پی ببرید و آن خاطرات و پیش آمدهائی را که روح شما را متأثر کرده به یاد بیاورید یکقدم به سوی موفقیت و پیروزی بر نواقص روانی خود برداشته‌اید.»<sup>۱</sup>

### زیاده‌روی در محبت

ناگفته نماند که محبت بیش از اندازه نسبت به کودک نیز مانند بی‌مهری به کودک، عوارض نامطلوبی دربر دارد. عبارت دیگر همانطور که تحقیر و توهین به کودک، بی‌احترامی به شخصیت کودک، توجه نکردن به عزت نفس و حب ذات کودک، در نهاد طفل اثر بد می‌گذارد و نتایج تلخ آن در جوانی آشکار می‌شود، زیاده‌روی در محبت و

<sup>۱</sup>. رشد و زندگی - ص ۱۷۱

افراط در نوازش نیز روان طفل را زودرنج و نامتعادل می‌سازد و در جوانی مایهٔ تیره‌روزی و بدبختی او می‌شود.

«اینان خود را لایق هر سعادت می‌دانند و دنیا را فرمانبردار خود فرض می‌کنند، هر دفعه که با ناکامی و حرمان روبرو می‌شوند گرچه شاید از تدبیر و سعی و عمل، مبلغ مهمی خرج نکرده باشند زمین و زمان را مسئول نامرادی خویش می‌خوانند و خود را به سبب این نامرادی، بدبخت و محروم می‌بینند و باز مقداری از قوای روحی خود را از دست می‌دهند. اینگونه اشخاص غالباً به تصور اینکه دیگران در عدم موفقیت ایشان تقصیر کارند، در دل، از همه قهر می‌کنند و حتی در ظاهر نیز کدورت خود را به زبان می‌آورند و دوستان خود را یکی پس از دیگری از دست می‌دهند.»<sup>۱</sup>

### بدترین پدران

امام باقر (ع) می‌فرمایند: «بدترین پدران، کسانی هستند که در اعمال محبت نسبت به فرزند خود زیاده‌روی و افراط می‌کنند.»<sup>۲</sup>

«اینکه کودک نیاز فراوانی به محبت دارد اما نه از آن محبت‌های افراطی و مبالغه‌آمیزی که اشتها و تمایلات او را تحریک کند»

<sup>۱</sup> . سلامت روح، ص ۵۵

<sup>۲</sup> . تاریخ یعقوبی، ۳، ص ۵۳

### بخش هشتم: دومین کلاس تربیت «مدرسه»

بعد از خانه و پدر و مادر مدرسه و معلم تأثیر و رسالت بزرگی را در تربیت و پرورش طفل و نوجوان دارد. در شکل گیری و تشکیل عادت و کیفیت معلومات و تجربیات مدرسه و معلم از جهاتی مهمتر از خانه است. زیرا مدرسه محیط اجتماعی جدی تر و وسیعتر است کودک در این محیط می کوشد نیروهای خود را بیشتر به کار اندازد تا بتواند با محیط و دیگر بچه ها همگامی بهتر داشته باشد البته وقتی از مدرسه و تأثیر آن در کودک سخن می گوئیم مرادمان همه جهات و جنبه هاست و همه افرادی است که در مدرسه به نوعی مشغول فعالیت هستند. یعنی مدیر و معاون و معلم و مستخدم و برخوردارهای اولی آنها و نیز نظم کارها و برنامه ورودش. همه اینها در روح و در مغز دانش آموزی که اولین روز به مدرسه گام می نهد تأثیر فراوان می گذارد.

حتی شکل ظاهری مدرسه و کلاسها و وسائل کار و نظم و نظافت مدرسه دانش آموزان را در درون به قضاوت وا می دارد. اینجاست که اگر مدرسه و اولیای محترم آن از همان ابتدا محیط مدرسه را آنچنان بسازند که دانش آموز را تحت تأثیر محبت و رفتار خویش قرار دهند و عقیده و اطمینان او را به نحو شایسته ای به خودشان جلب نمایند هم کار تعلیم و تربیت را از آغاز آسان کرده اند و هم دانش آموز را نسبت به محیطی که باید

سالها در آن کار و فعالیت کند علاقه‌مند و جذاب ساخته‌اند و این خود عامل مهم و نیرومندی است که اولیاء آگاه و مسئول مدرسه به آن توجه فراوان دارند.<sup>۱</sup>

چه زیبا و باشکوه است، آن زمان که معلم و شاگردان قبل از حضور در مدرسه و کلاس وضو می‌گیرند و به قصد قربت در کلاس درس حضور می‌یابند و معلم با نام خدا، یاد خدا و برای خدا درسش را آغاز می‌کند. مسلماً شاگردان این کلاس در مقایسه با دانش‌آموزان مشابه صرفاً بدلیل همین نیت و حرکت عبادی محسوس، پیشرفت تحصیلی شایان توجهی خواهند داشت. نیت مخلصانه و عابدانه، انگیزه اندیشه و عمل را قوی و غنی می‌کند و دامنه توجه و قدرت ادراک را افزون می‌سازد. «وضو» به مثابه یک تطهیر و پالایش جسمی - روانی، رفتار و یکپارچگی شخصیت انسان را تحت تأثیر قرار داده، موجبات سرزندگی، نشاط و آمادگی بیشتری را فراهم می‌کند.

از سوی دیگر، آن‌گاه که دانش‌آموزان از نگرشی هدفمند و جهت‌دار و احساس خوشایند نسبت به حضور در کلاس درس برخوردار می‌شوند، به شهادت یافته‌های روان‌شناسی

<sup>۱</sup>. راه و روش تربیت - محمدحسین ادیب - ص ۲۳

تربیتی بدور از هرگونه اضطراب و بی‌اشتهایی‌های تحصیلی، به قدرت یادگیری بیشتری دست می‌یابند.<sup>۱</sup>

الحق که کارگزاران نظام آموزشی، اولیای مدارس، بویژه معلمان وارسته و متعهد در تبیین قداست مدرسه و کلاس و قرابت و شباهت آن با مسجد و محراب بیشترین، حساسترین و خدایسندانه‌ترین مسئولیتها را بر دوش دارند.

در دنیای متمدن امروز، بالاخص در کشورهای غربی، یکی از دلایل عمدهٔ لجام گسیختگی‌های فرهنگی، بی‌بند و باریها، سرکشی و عصیان نوجوان و جوان‌ها و فساد روزافزون اخلاقی اکثریت قریب به اتفاق دانش‌آموزان، ناشی از آن است که کودکان و نوجوانان و آموزش دهندگان ایشان هیچ‌گونه حرمت و قداستی برای نهاد مدرسه و کلاس درس قائل نیستند. این است که هر قدر دانش آنها نسبت به علوم و فنون بیشتر می‌شود به همان میزان از تهذیب و خویشتن داریها دور می‌شوند. و این در حالی است که در مکتب تربیتی اسلام چگونگی حضور و جلوس آمیخته با نزاکت و ادب معلم در کلاس مور توجه است، چه رسد به نحوهٔ حضور و جلوس متعلمان.

### مدرسه و تکوین شخصیت کودکان و نوجوانان

<sup>۱</sup>. روان‌شناسی تربیتی - دکتر غلامعلی افروز - ص ۱۱۰

سنین مدرسه، دوره دانایی، تمایل به زندگی اجتماعی و انجام فعالیتهای، ظهور استعدادها و صیقل یافتن شخصیت است.

از حساسترین لحظات زندگی کودکان و نوجوانان زمان ورود به مدرسه و کسب تجارب تازه و متنوع اجتماعی است. اولین برخوردهای رسمی اجتماعی کودکان در مدرسه صورت می پذیرد. لذا کودکانی که قبل از ورود به مدرسه از آمادگی ذهنی لازم برخوردار بوده، با نگرشی مثبت نسبت به محیط جدید وارد مدرسه می شوند، از نظر سازگاری اجتماعی و پذیرش فرمها، معیارها و مقررات جدید توفیقات بیشتری می یابند. عمدتاً کودکان در روزهای اول مدرسه، رفتار همسالان و معلمان را با کنجکاوی ویژه ای تحت نظر می گیرند. نحوه رفتار الگوهای بزرگسال مدرسه، مثل مدیر، ناظم، معلم و فراش، از اهمیت فوق العاده ای برخوردار است. بچه ها با توجه به اینکه با کسب چه نوع تجربه ای از معاشرت با بزرگسالان (موفق یا ناموفق) و یا چه نگرشی (خوشایند یا ناخوشایند) وارد مدرسه می شوند، با مفروضات و باورهای ذهنی خاص بزرگسالان مدرسه، مخصوصاً معلم کلاس خود را مورد مشاهده و ارزیابی قرار می دهند.

معلمان متعهد مدارس توجه دارند که ممکن است بعضی از نوباوگان کلاس ایشان به دلیل تجارب ناخوشایند و خاطرات تلخ و آزاردهنده ای که از رفتار والدین خود دارند، با



این پندارها که رفتار همه بزرگسالان کم و بیش شبیه به هم است، با نگرشی منفی و تردیدآمیز، گفتار و رفتار معلم را زیرنظر قرار داده، یا گاهی بخواهند با رفتارهای غیرمتعارف و واکنشهای منفی و یا بی توجهی به دستوره‌های معلم نحوه عکس العمل معلم را در مقابل قصور و کوتاهی‌های خودشان بیازمایند.

در این شرائط و در هر حال شایسته است که معلمان بصیر و آگاه با صبوری، حسن تدبیر و پرهیز از هرگونه عکس العمل تنبیهی، سعی کنند بتدریج اعتماد دانش آموزان را جلب سازند و بازخوردها و نگرشهای آنان را در جهت مثبت تغییر دهند.

برای کودکانی که با خاطرات ناگوار و تجارب نامطلوبی از ارتباط با بزرگسالان در کلاس درس حضور پیدا کرده‌اند، رفتار خشونت‌آمیز معلمان و مدیران مدارس فوق العاده اثر سوء داشته، تمایلات اجتماعی ایشان را محدود می‌کند و مانع رشد شخصیت و منش مطلوب آنها می‌شود.

### همگامی خانه و مدرسه

از آنجا که مدرسه نهاد و موسسه‌ای علمی است که کمتر به تربیت به معنای رفتاری توجه می‌کند، گاه محصول آن جز علم و آگاهی خشک و خالی نیست. فراتر از این، به علت گوناگونی محیطهای زندگی دانش آموزان و نوع رفتار و منش آنان و تأکید معلمان

بر جنبه‌های علمی، گاه ممکن است مدرسه‌ها حتی در امر تربیت فرزندان اثرات نامطلوبی برجای گذارند. این مسأله، عاملی است که اولیاء بیش از پیش مراقبت نوع رفتار فرزندانشان و تأثیرات منفی آنها از محیط مدارس باشند. از این رو، پس از ورود کودک به مدرسه باید بر مراقبت‌های تربیتی - اخلاقی او افزود و از این رهگذر، به اعمال و رفتار او سمت و سوی صحیح بخشید.

با این همه، جنبه‌های علمی - آموزشی نیز نباید از نظر دور داشته شود، بلکه باید در جهت هرچه فعالتر کردن فرزندان و آماده کردن آنان در جنبه‌های علمی تلاش نمود؛ چه، اگر دانش‌آموز از فضای علمی حاکم بر مدرسه فاصله گرفت، چه بسا ممکن است برای انجام تکالیف و آمادگی برای امتحان و مسائل دیگر از این گونه، جدیت لازم از خود نشان ندهد و در این زمینه احساس مسئولیت نکند.

اولیاء در طول سال تحصیلی باید هم از جنبه علمی و هم از لحاظ تربیتی و اخلاقی، خود را در حالت مراقبت دائم ببینند.<sup>۱</sup>

پیوند مستمر اولیاء و مربیان و تشریک مساعی آنها در شناخت ویژگیها و نیازهای زیستی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی کودکان و نوجوانان در سنین مختلف، تلاش

<sup>۱</sup> . دریچه‌ای به دنیای جوانان - آیت ... سید محمدحسین فضل ... - ص ۱۲۵

در انتخاب بهترین و مؤثرترین روشها در تأمین بهینه نیازها و اجتناب از هرگونه دوگانگی ارزشی و تعارض بین نظام آموزشی خانه و اصول اخلاقی حاکم بر مدرسه، ضامن اصلی رشد شخصیت کودکان و نوجوانان است. هرگونه دوگانگی و تضاد بین نظام تربیتی و اخلاقی خانه و مدرسه باعث تعارض روانی کودک شده، بهداشت روانی و شکوفایی شخصیت او را مختل می‌سازد. هرگز نباید با تحمیل فشارهای روانی مختلف به کودک، بطور مستقیم و غیرمستقیم، او را در موضعی قرار داد که بین دو نظام آموزشی خانه و مدرسه با داوری و قضاوت نشسته و قضاوت کند. چنین حالتی برای سلامت روانی کودک فوق‌العاده مضر است. کودکان فطرتاً طالب وحدت بین باورهای والدین و نگرشهای معلمان خود به امور مختلف هستند.

### نقش مدرسه در انتقال ارزشها

بدون تردید اساسی‌ترین رسالت کارگزاران جامعه اسلامی پاسداری از دستاوردهای انقلاب اسلامی و حاکمیت بخشیدن به ارزشهای الهی است. در این رهگذر، بیشترین مسئولیت متوجه دست‌اندرکاران نظام آموزشی کشور است، چرا که در هر جامعه، مدرسه به عنوان پل انتقال آرمانها و ارزشهای حاکم به خانواده‌ها مطرح است.

برای اینکه مدارس بتوانند به نحوی شایسته عهده‌دار چنین وظیفه خطیری شوند، باید همواره از حاکمیت «ارزشها» و یا به عبارت دقیق‌تر نمود کامل «رفتارهای مذهبی» در محیط مدارس و مراکز آموزش عالی اطمینان حاصل کرد.

وقتی از رفتارهای مذهبی سخن می‌گوئیم، منظورمان مجموعه باورها، عملکردها، عادتها، کنشها و واکنشهایی است که نسبتاً پایدار بوده، قابل مشاهده، ارزیابی، اندازه‌گیری و پیش‌بینی هستند. به دیگر سخن شایسته‌تر این است که به جای بحث حاکمیت «دین» در مدرسه به دنبال فراوانی رفتارهای مذهبی و باورهای مذهبی، نماز، روزه، حجاب، تعظیم و تکریم شعارهای مذهبی، احساس مسئولیت‌پذیری و ... در مراکز آموزشی باشیم.

### رفتارهای مذهبی چگونه تبلور می‌یابد؟

به طور کلی آمیزه‌ای از شناخت و احساس مذهبی می‌تواند منجر به برخورداری از یک بازخورد یا بینش مذهبی شود و چگونگی بازخورد مذهبی زمینه ظهور رفتارهای مذهبی را فراهم می‌آورد.

انسان از آغاز حیات بتدریج نسبت به آنچه که در حوزه ذهنی او قرار می‌گیرد شناخت پیدا می‌کند و نسبت به هر پدیده‌ای که با آن آشنا می‌شود احساس خاصی می‌یابد.

بدیهی است نحوه شناخت ما نسبت به پدیده‌های مختلف جهان متأثر از عوامل متعددی از قبیل ویژگیهای زیستی، توانمندیها، هوشمندی و قدرت استدلال، انگیزش و گرایش‌های عاطفی، روابط خانوادگی، تبار اقتصادی و اجتماعی و شرایط محیطی و جغرافیایی است. اما شناختی که ما نسبت به هر رفتار و پدیده‌ای پیدا می‌کنیم متضمن یک احساس خوشایند و یا ناخوشایند است. آنگاه که شناخت ما از یک پدیده، با احساس خوشایند عجین می‌شود، در ما بازخورد مثبت و آمادگی پدیدار شدن رفتار دلخواهی را فراهم می‌سازد.

### چگونه زمینه ظهور رفتارهای مذهبی را فراهم آوریم؟

مسئله خانواده مناسبترین بستر برای ظاهر شدن رفتارهای مذهبی است. خمیرمایه شخصیت کودکان در کانون خانواده و با تأثیرپذیری از نقش الگوهای بزرگسالان نقش می‌گیرد، اما همیشه به دلایل عدیده، از جمله عدم امکان تماس مستقیم با همه خانواده‌ها، تعدد و تنوع نگرشهای موجود در خانواده‌ها نسبت به مذهب و حاکمیت ارزشهای مذهبی در جامعه، متصف نبودن بعضی از الگوهای بزرگسال خانواده‌ها به رفتارهای مذهبی، مسئولیت بیشتری متوجه اولیای متعهد مدارس می‌شود. چرا که در محیط مدرسه امکان ارتباط مستقیم و متقابل با کودکان و نوجوانان به مثابه نمایندگان

خانواده‌ها کاملاً فراهم است. اینجاست که مدرسه همانند پل رابط وظیفه انتقال ارزشهای حاکم بر جامعه را به درون خانواده‌ها عهده‌دار می‌شود.

برای این که مدرسه در این هم موفق شود و به راستی پیام انقلاب اسلامی را از طریق دانش‌آموزان روانه خانه‌ها سازد، می‌بایست در ارائه ارزشها کاملاً هوشیارانه و آگاهانه عمل کند و به جای پرداختن به صرف انتقال مجموعه‌ای از اطلاعات شناختی، به رفتارها و ایجاد تغییرات مطلوب در رفتارها پردازد و این مقدر نخواهد بود مگر با اینکه با سرمایه‌ای از مهر و محبت به بعد احساسی بازخوردها توجه خاص مبذول شود.

### هشیاری‌های فرهنگی در پاسداری از سلامت و رشد مطلوب

#### شخصیت کودکان و نوجوانان

حیات اجتماعی انسان هرگز میان دو دیواره تولد و مرگ محدود و محبوس نبوده و نمی‌تواند باشد. تمامی توانمندیها و قابلیت‌هایی که انسان امروز از خود نشان می‌دهد، حاکی از میراث بزرگی است که از تجارب و دستاوردهای علمی و اجتماعی پیشینیان به او رسیده است. بالطبع انسان در طول حیات کوتاه اجتماعی خود به تناسب توان و تلاش خویش چیزی بر این میراث تاریخی افزوده، پیشکش آیندگان می‌کند. مولای

متقیان حضرت علی علیه السلام در این ارتباط، آنگاه که فرزندش امام حسن (ع) را مخاطب قرار می‌دهد، چنین می‌فرماید:

ای فرزندم، پیشینیان در این جهان از من بیشتر روزگار دیده بودند و دیرتر از این سرای رخت بیرون کشیدند. اگرچه آنان را سال افزون بود و پدر تو را عمر اندک، اما چشم عبرت‌بین من در تاریخ و یادگار آنها دقیق‌تر نگریسه و آثارشان را عمیق‌تر مطالعه کرده است. من آنچنان در تاریخ امم گذشته به سیاحت و تماشا پرداخته‌ام که یک تن از آنان شده‌ام. امروز که خود را در شصت و اندی می‌نگرم همی پندارم که همچون آنان سده‌ها در این گیتی عمر نموده، با اول و آخر آنان زندگی کرده، تمامی دستاوردهای تاریخ جهان، همگی را تجربه کرده‌ام.<sup>۱</sup>

در دنیای امروز سیر پرشتاب علوم، تکنولوژی و تحول شگفت‌آوری که در قلمرو ارتباطات بوقوع پیوسته، آنچنان است که گویا جغرافیای جهان کوچکتر و کشورها به هم نزدیکتر شده و جوامع و ملت‌ها به هم پیوسته‌اند. در چنین شرایطی تعامل انسانی، تأثیرگذاری و تأثیرپذیری فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر خواهد بود. بنابراین بسیار طبیعی است که فرهنگ‌های پویا و مولد بیشترین تأثیرگذاری را داشته باشند.

<sup>۱</sup>. نهج البلاغه (نصیحت به امام حسن علیه السلام)

زمانی که صاحبان و وارثان پایدارترین و پویاترین فرهنگها یعنی فرهنگ والای اسلامی از شناختی غنی، احساسی خوشایند و نگرش و بینشی عمیق نسبت به مبانی ارزشی فرهنگ خویشتن برخوردار باشند، آنگاه که در معرض جلوه‌هایی از دیگر ارزشها و فرهنگها قرار می‌گیرند، با اعتماد به نفس قوی و احساس خود ارزشمندی فوق‌العاده آنها را مورد ارزیابی و نقادی قرار می‌دهند. بدیهی است که اگر در فرهنگ بیگانه نکته یا نکاتی قابل توجه، مثبت، سازنده و متعالی مشاهده کنند به گونه‌ای شایسته از آن بهره گرفته، در برابر لجام گسیختگیهای فرهنگی، آگاهانه و تعاونانه ایستادگی می‌کنند و نسبت به خطرات آن روشنگری می‌نمایند.

### مهاجمان فرهنگی کیستند؟

مهاجمان فرهنگی طیف وسیعی از حاکمیتها، سازمانها، گروهها و افرادی را شامل می‌شود که با ملیتهای مختلف و علی‌رغم تفاوتهای جغرافیایی، نژادی و زبانی با منافع مشترک و اهدافی معین و مشخص، بطور مستقیم و غیرمستقیم، و با استثمار و دسیسه قرار دادن نیروهای خودباخته و وابسته از درون ملت‌های مورد تهاجم تلاش می‌کنند نظام ارزشی و باورهای اعتقادی و مذهبی ملت‌ها را که زمینه‌ساز ایستادگی و تسلیم‌پذیری آنان است مورد حمله قرار دهند. پرواضح است که بعضاً خط تهاجم



مهاجمین خودی که آگاهانه و ناآگاهانه، با طرح و برنامه یا بدون برنامه‌ریزی معین، به گونه‌ای در راستای اهداف مهاجمین فرهنگی و تروریسم فرهنگی حرکت می‌کنند کمتر از دسیسه‌های طراحی شده استکبار فرهنگی نیست، بلکه چنین حرکتی خود عمدتاً متأثر از همان تهاجم تدارک دیده شده است.

### هدف مهاجمان فرهنگی چیست؟

هدف اصلی دشمن تضعیف و بی‌بها کردن نظام ارزشی و باورهای مذهبی و اعتقادی ملت‌هاست. وقتی که دشمن بتواند در نگرش و بازخورد مثبت و مولد گروهی از انسانها نسبت به ارزشها، و باورهای ملی و مذهبی تغییرات منفی ایجاد کند، بالطبع موفق خواهد شد. انگیزه‌های حرکت و مقاومت آنها را در حفظ ارزشهای حاکم و پاسداری آرمانهای مقدس تضعیف نماید. مهاجمان فرهنگی به خوبی می‌دانند رفتارهای مذهبی متأثر از نگرشها و بینشهای مذهبی است و نظام بازخوردها، بینش و جهان‌بینی افراد اساساً متشکل از مجموعه شناختها و احساسات آنها نسبت به پدیده‌ها، موضوعات و مسائل مختلف است. لذا برای هرگونه تغییر در رفتارهای مذهبی، توجه و هدف قرار دادن مبانی شناختی و احساسی رفتار، مؤثرترین شیوه می‌تواند باشد. و دشمن آگاه و

مسلح به روشهای نو، مبانی شناختی و بالاخص احساسات مذهبی و ملی را آماج حملات خود قرار داده است.

### رسالت اولیاء و مربیان در پیشگیری از آسیبهای اجتماعی

بدون تردید مهمترین رسالت اولیاء و مربیان تلاش در شکوفایی شخصیت کودکان و نوجوانان، تأمین بهداشت روانی و پیشگیری از انحرافات و آسیب پذیریهای احتمالی آنهاست. مسأله بررسی علمی انحرافات یا آسیبهای اجتماعی سالهاست که مورد توجه دانشمندان مختلف قرار گرفته است. متخصصان رشتههای مختلف، بویژه روان شناسان، جامعه شناسان، کارشناسان تعلیم و تربیت و مددکاران اجتماعی هر یک سعی کرده اند از دریچه ای خاص به این مسأله بنگرند.

بطور کلی زمانی از آسیبها یا انحرافات اجتماعی سخن به میان می آید که ارزشهای حاکم بر جامعه، پذیرای برخی از رفتارهای موجود نیست. انحرافات اجتماعی به دو صورت آگاهانه و ناآگاهانه ظاهر می شود. انحرافات آگاهانه آن دسته از رفتارهای نامطلوب و ناشایسته ای است که از فرد یا گروهی با آگاهی و دانش قبلی مشاهده می شود و با نظام ارزشی جامعه مغایرت دارد. بدیهی است بعضی از رفتارهای نامطلوب که از برخی از نوجوانان و جوانان سر می زند می تواند بدون آگاهی و شناخت صحیح آنها

از ارزشها و معیارهای اجتماعی باشد. به عبارت دیگر در این شرایط فرد متخلف یا آسیب پذیرفته به درستی نسبت به قبح یا گناه آلوده بودن رفتار خود اذعان ندارد. در هر حال باید توجه داشت فردی که دچار بعضی از انحرافات رفتاری می شود لزوماً درصدد نفی همه معیارها و ارزشهای حاکم بر جامعه نیست، بلکه به نظر می رسد که او احیاناً فقط بعضی از ارزشهای موجود در جامعه را مورد تردید قرار داده و یا آنها را عملاً نفی کرده است.

امروزه در مطالعات مربوط به کژرفتاریها و آسیبهای اجتماعی از قبیل دزدی، بزهکاری، مدرسه گریزی، اعتیاد به دخانیات و مواد مخدر، انحرافات جنسی، ولگردی و خانه به دوشی، ضمن توجه به نیازهای زیستی، بیشترین بها به چگونگی فرایند تکوین شخصیت و نظام پرورشی و آموزشی خانه و مدرسه داده می شود. قدر مسلم این است که در این راستا خانواده به عنوان یک واحد تربیتی و اجتماعی با نظام ارزشی پایدار، در حسن تأمین نیازهای زیستی، روانی کودکان و شکل دادن به شخصیت آنها نقش اساسی دارد، چرا که خمیرمایه شخصیت فرد در محیط خانواده شکل می گیرد.

بی‌تردید، تربیت اساس کار و هدف اصلی آن آماده کردن کودکان برای احراز مسئولیتهای فردی و اجتماعی است. انجام مقدمات و تمهیدات این مهم از درون خانه و به توسط والدین، اولین الگوها و سرمشقهای کودک شروع می‌شود.

بنابراین در جامعه اسلامی بایسته است ریشه اصلی انحرافات و آسیبهای اجتماعی را در چگونگی نظام تربیتی و آموزشی، ساختار شخصیتی افراد و میزان خویشتن داریها جستجو کرد.

بی‌شک برنامه‌های آموزشی مؤثر و کاربردی نه تنها مقاومت‌های شخصی دانش‌آموزان را در برابر آسیبهای اجتماعی بیشتر می‌کند، بلکه با افزایش دانش عمومی و توانمندیهای شغلی و حرفه‌ای زمینه اشتغال مفید، بیشتر فراهم می‌شود.

در کنار خانواده، مدارس اساسی‌ترین نقش را در انتقال ارزشهای حاکم بر جامعه، به کودکان و نوجوانان بر عهده دارند. مسئولیت ایجاد یک نگرش مثبت و سازنده در دانش‌آموزان نسبت به ارزشهای اخلاقی و اجتماعی و پایبند ساختن آنها به قیود اخلاقی و رفتارهای مطلوب و پسندیده، بر عهده اولیای آموزش و پرورش کشور است. دادن شناخت و آگاهی به دانش‌آموزان نسبت به آسیبهای اجتماعی و بررسی علل و پیامدهای ناگوار آن، آشنا کردن خانواده‌ها نسبت به ویژگیهای افراد آسیب پذیرفته و

طرق پیشگیری از بزهکاریها و انحرافات اجتماعی از وظایف مهم معلمان و مربیان مدارس است.

غالباً مدارس در مقطعی اقدام به این مهم می کنند که پایه های اولیه ساختمان شخصیت نوباوگان در خانواده شکل گرفته، آنها بخش قابل توجهی از اوقات خود را در کنار خانواده و همراه با الگوهای نخستین خود به سر می برند. بنابراین مدرسه بدون جلب همکاری و مشارکت والدین در این امر توفیق چندان چشمگیری نمی تواند داشته باشد. این یک پنداشت طبیعی است که همه والدین انتظار دارند کودکان آنها با رفتن به مدرسه، در آینده افرادی فعال، خلاق، شایسته و مسئولیت پذیر شوند، اما این وقتی مقدور است که خود دوشادوش مربیان مدارس پیش بروند.

مدارس و نظام آموزشی رسمی به تنهایی نمی تواند توفیق چندان در جهت از قوه به فعل رسانیدن استعدادها، شکوفایی خلاقیتها و پرورش سجایای اخلاقی دانش آموزان داشته باشد. در این راستا همکاری همه خانواده ها امری است ضروری و مهم.

لازم است نظام آموزشی کشور با قدرت و قوت هرچه بیشتر و حمایت همه خانواده ها و کارگزاران جامعه اسلامی با رفع کمبودها و نواقص، بخصوص در زمینه کمبود معلمان مجرب، کارشناسان متخصص و مشاوران روانی و تربیتی متعهد، رفع نارساییها و

کمبودها و با تدارک امکانات بیشتر همه توان و قدرت خویش را در پیشگیری از آسیب‌پذیریهای اجتماعی و اعتلای شخصیت کودکان و نوجوانان مصروف سازد. به یقین امر با کاستیهای مشهود، کمبودهای مورد اشاره، شلوغ بودن کلاسها و مدارس و عدم مشارکت فعال خانواده‌ها و نهادهای دیگر جامعه مقذور نخواهد بود. مربیان و مشاوران مدارس باید بتوانند با هوشمندی و بصیرت و با بهره‌گیری از مهارتهای لازم، توجه بیشتری نسبت به آن دسته از کودکان و نوجوانانی که احتمال آسیب‌پذیری آنها بیش از دیگران است مبذول داشته، «رفتار» آنها را به گونه‌ای که مقذور و میسر است در مدرسه و خارج از مدرسه مورد مشاهده، مطالعه و بررسی قرار دهند. تحقیقات انجام شده حاکی از آن است که بسیاری از کودکان و نوجوانانی که با مشکلات عاطفی مواجه هستند، آنان که متعلق به خانواده‌های پریشان و از هم گسیخته می‌باشند، آنهایی که از مدرسه گریزانند، آنان که غیبت‌های مکرر دارند، آنها که بدون ابتلا به عقب‌ماندگی ذهنی، در پیشرفت تحصیلی با ناکامی مواجهند، آنهایی که از توان هوشی لازم در مدارس عادی برخوردار نیستند و آنان که به عادات نامطلوبی همچون کشیدن سیگار و غیره مبتلا هستند، بطور قابل توجهی بیش از سایر همسالان خود در معرض خطر جدی آسیبهای اجتماعی قرار دارند.

به دیگر سخن، رسالت خانواده‌ها و مدارس در این رهگذر بسیار خطیر و عظیم است.

برای ساختن جامعه فردا، جامعه‌ای که باید برای همه جهان‌الگو باشد، لازم است

تمامی هم‌کارگزاران جامعه بویژه اولیاء و مربیان مصروف سلامت شخصیت و شکوفایی

استعدادهای کودکان و نوباوگان میهن اسلامی‌مان شود.<sup>۱</sup>

---

<sup>۱</sup>. روان‌شناسی تربیتی - دکتر غلامعلی افروز - ص ۱۸۲، ۱۸۳ و ۱۸۴

منابع مورد استفاده:

۱. رواه و روش تربیت نوشته حسین ادیب
۲. روان شناسی تربیتی نوشته دکتر غلامعلی افروز
۳. مبانی تربیت و اخلاق اسلامی نوشته علی فایضی - محسن آشتیانی
۴. خانواده و مسائل نوجوان و جوان (۱) نوشته دکتر علی قائمی
۵. جوان جوان از نظر عقل و احساسات، گفتار فلسفی، هیئت نشر معارف اسلامی،  
نشریه ۳
۶. دریچه‌ای به دنیای جوانان نوشته آیت ... سید محمدحسین فضل ... - ترجمه

عبدالهادی فقهی زاده



جهت خرید فایل word به سایت [www.kandoocn.com](http://www.kandoocn.com) مراجعه کنید  
یا با شماره های ۰۹۳۶۶۰۲۷۴۱۷ و ۰۹۳۶۶۴۰۶۸۵۷ و ۰۶۶۴۱۲۶۰-۵۱۱ تماس حاصل نمایید

Filename: Document1  
Directory:  
Template: C:\Documents and Settings\hadi tahaghoghi\Application  
Data\Microsoft\Templates\Normal.dotm  
Title: « »  
Subject:  
Author: H.H  
Keywords:  
Comments:  
Creation Date: 3/22/2012 12:23:00 PM  
Change Number: 1  
Last Saved On:  
Last Saved By: Novin Pendar  
Total Editing Time: 0 Minutes  
Last Printed On: 3/22/2012 12:23:00 PM  
As of Last Complete Printing  
Number of Pages: 128  
Number of Words: 15,609 (approx.)  
Number of Characters: 88,976 (approx.)